

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی

دوم دبستان

اولیاء محترم ، دانش آموزان گرامی
این کتاب ، برای رعایت صرفه و جو و جلوگیری از هدر رفتن
به صورت امانت در اختیار شما قرار می گیرد . لطفاً آن را
بوقت نگهداری کنید و در پایان سال تحصیلی به مدرسه تحویل دهید .

۱۳۶۸

تألیف: ابراهیم امینی، سیدعلی اکبر موسوی حسینی

با همکاری: جمعی از دانشمندان

نقاشی از: منوچهر درفشه

صفحه‌آرایی از: هما امامی — ناهید فاریان

طرح جلد از: قاسم درودگر

چاپ شرکت افست «سهامی عام»

حق چاپ محفوظ است

به نام خدا

از معلمان و مربیان محترم تقاضا می‌شود که این نوشته را مجدداً مطالعه فرمایند.

آموزگار و مربی متعهد و گرامی!

درود بر شما که شغل انسان‌ساز و افتخارآفرین و ارزشمندی دارید. خدا را سپاس که به لطف و یاری او و به رهبری مرجع بزرگ امام خمینی و به همت امت مسلمان، انقلاب اسلامی ما به ثمر رسید و در پی آن انقلاب فرهنگی آغاز شد و پیام امام در رسیدن که «تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است» و اینک برای تحقق هر چه بیشتر انقلاب فرهنگی و پیام امام، لازم است به‌طور فشرده نکات زیر را یادآور شویم:

۱ - هدف از تألیف این کتاب تنها انتقال یک سلسله مفاهیم و اصطلاحات دینی به ذهن دانش‌آموزان عزیز نیست. هدف فقط این نیست که درسها را خوب بخوانند و خوب پاسخ دهند. بلکه هدف اساسی پرورش صحیح روح و روان دانش‌آموزان و تکامل بخشیدن به زندگانی آنهاست. هدف این نیست که مطالب را طوطی‌وار از بر کنند و پاسخ دهند؛ بلکه هدف این است که عقاید صحیح دینی با ذاتشان در آمیزد و از عمق جانشان بجوشد. به طوری که از دستبرد شیطان صفتان در امان بمانند. هدف این نبوده که فقط اخلاق و رفتار نیک را از بد بشناسند و خوب پاسخ دهند؛ بلکه هدف اصلی این بوده که اخلاق نیک در باطن وجودشان نفوذ کند و با صفات شایسته انسانی پرورش یابند.

هدف این بوده که از کودکان امروز، مردان و زنان شایسته و متعهد و درستکار و خیرخواه و مهربان و بلند همت و دانشمند و خدادوست آینده را بسازیم، تا با دلی لبریز از ایمان به پاخیزند و آیین حیاتبخش اسلام و انقلاب اسلامی را در جهان گسترش دهند. کشور بزرگ اسلام را آباد سازند. به یاری ستمدیدگان بستانند و با مستکبران مبارزه کنند و به خلقهای محروم و مستضعف جهان تحرک بخشند.

ولی به خوبی آگاهیم که کتاب تنها، نمی‌تواند این هدف بزرگ را تأمین کند، لذا از همان آغاز تمام امیدمان به شما مربیان، آموزگاران متعهد و وظیفه‌شناس بوده و هست. این شما هستید که با گفتار و رفتار نیکتان می‌توانید این امانتهای گرانبهای الهی یعنی کودکان را، به بهترین وجه پرورش دهید و انقلاب فرهنگی را هر چه بهتر به ثمر رسانید. این شما هستید که می‌توانید به پاس خون هزاران شهید و جانباز، برای رضای

خدا به پاخیزید و اعتقادات گرانقدر اسلامی را در روح و روان کودکان استوار سازید و از کودکان امروز شایسته‌ترین، دلیرترین و درستکارترین انسانهای فردا را پرورش دهید.

آری چنین مسئولیت بزرگی بر دوش شما نهاده شده و امت به‌پا خاسته ایران و ارواح پاک هزاران شهید از شما چنین انتظاری دارند و اگر کسی در این باره کوچکترین کوتاهی روا دارد - که هرگز روا نمی‌دارد - در پیشگاه خدا و بندگان او مستول خواهد بود.

۲ - دانش‌آموزان را به خواندن و باز خواندن درسها و خوب نوشتن آنها تشویق کنید. سعی کنید دانش‌آموزان مطالب را خوب بفهمند و در عمق جانشان نفوذ کند. آنان را تشویق کنید تا درسها را با یکدیگر مباحثه کنند و از همدیگر بپرسند و پاسخ دهند.

۳ - به هنگام تدریس تنها شما متکلم نباشید بلکه علاوه بر این که با بیانات و توضیحات شیرین و صریح خود مطالب را به خوبی روشن می‌کنید، دانش‌آموزان را نیز در بیان درس و نتیجه‌گیری به کمک بخواهید و مخصوصاً نتیجه‌گیری را بر عهده خود دانش‌آموزان بگذارید و آنان را یاری کنید تا پاسخ صحیح را خود بیابند. کودکان بر فطرت توحید و خداپرستی و با نهاد پاک آفریده شده‌اند، شما فطرتشان را بیدار سازید و روانشان را در جهت صراط مستقیم خداپرستی و توحید قرار دهید.

۴ - شما در نظر دانش‌آموزان و اولیای آنان از موقعیت ویژه‌ای برخوردارید. دانش‌آموزان شما را انسان برتر و شخصیت ممتاز می‌شمارند پیوسته به اخلاق و گفتار و رفتار شما می‌نگرند، از شما تقلید می‌کنند و درس زندگی می‌گیرند. شما با اخلاق و رفتارتان برای آنان الگوی کمال و انسانیت باشید. با کردار و گفتارتان به آنان درس مهربانی، خیرخواهی، گذشت، انضباط، عدالتخواهی، آزادگی، فداکاری، شجاعت، وظیفه‌شناسی، کار و کوشش و هدفداری بیاموزید. و مخصوصاً به این نکته توجه کنید که کودکان، دانا و باهوشند و به کردار شما بیش از گفتارتان توجه دارند و به همین جهت شما مسئولیت بسیار بزرگی بر عهده دارید.

۵ - در تهیه این کتابها از نوشته‌ها و راهنمایهای دانشمندان بسیاری بهره بردیم و مخصوصاً از کتابهای تعلیمات دینی سابق رهنمود گرفتیم و استفاده کردیم، بدین وسیله یاریها و زحمات همه را قدر می‌نیم و به‌ویژه از نویسندگان کتابهای تعلیمات دینی سابق سپاسگزاری می‌نماییم و یادآوری می‌کنیم که پرونده تألیف و تکمیل این کتاب پیوسته مفتوح است و نظرات شما و اولیاء گرامی دانش‌آموزان، ما را در این مهم یاری خواهد کرد. از شما صمیمانه در خواست می‌کنیم که نظرها و پیشنهادهای مفید خود را به «دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش» ارسال دارید.

با سپاس و تشکر فراوان - خدا یار و رهنمای شما



فهرست

آشنایی با آداب و اخلاق اسلامی		آشنایی با خدای مهربان	
۵۵	۲۰ - کودک نیکوکار	۲	۱ - خدای خوب و مهربان (شعر)
۵۸	۲۱ - کودک بی آزار	۴	۲ - آیا این حیوانات را می شناسید؟
۶۰	۲۲ - پاکیزه باشیم	۶	۳ - آیا ماهی دیده اید؟
۶۳	۲۳ - آداب غذا خوردن	۸	۴ - درس خداشناسی
۶۵	۲۴ - یک دستور بهداشتی مهم	۱۳	۵ - خدا ما را دوست دارد، خدای مهربان
۶۷	۲۵ - مقام معلم	۱۸	۶ - تشکر از خدا
	آشنایی با امامان و رفتار خوب آنان	۲۲	۷ - ای خدا (شعر)
۶۹	۲۶ - آیا می دانی امام کیست؟	۲۴	۸ - نعمتهای خدا
۷۲	۲۷ - کودکان را دوست داشت		نتیجه کار و کوشش ما در جهان آخرت
۷۵	۲۸ - مهمانهای حضرت امام حسن	۲۷	۹ - نتیجه کار و کوشش
۷۷	۲۹ - با حیوانات مهربان باشیم	۲۹	۱۰ - جهان آخرت، معاد
	آشنایی با احکام دین	۳۱	۱۱ - روز جدایی
۷۹	۳۰ - وضو		پیامبران بهترین راهنما و معلم انسانها
۸۲	۳۱ - نماز بخوانیم	۳۴	۱۲ - پیامبران خدا
۸۴	۳۲ - چگونه نماز بخوانیم؟	۳۷	۱۳ - آخرین پیامبر خدا
		۳۹	۱۴ - دین چیست؟
		۴۱	۱۵ - پیامبران بزرگ
		۴۳	۱۶ - کودکی حضرت محمد
		۴۵	۱۷ - با کودکان مهربان بود
		۴۸	۱۸ - دین اسلام
		۵۰	۱۹ - باغی که سوخت



بخش ۱

آشنایی

خدای مهربان

درس اول

به نام خدای بخشنده مهربان

خدای خوب و مهربان

خدای خوب و مهربان داده به ما گوش و زبان
بخشیده ما را دل و جان چشم و سر و دست و دهان
او داده ما را عقل و هوش او داده ما را آب و نان
از لطف و نعمتهای او ما زنده ایم و پرتوان

تمرین

۱ - این شعر را حفظ کنید.

۲ - در کلاس با هم بخوانید.

۳ - یک مرتبه از روی شعر بنویسید.





آیا این حیوانات را می‌شناسید؟

به شکل این حیوانات نگاه کنید.

نامشان را می‌دانید؟

کدام را دیده‌اید؟

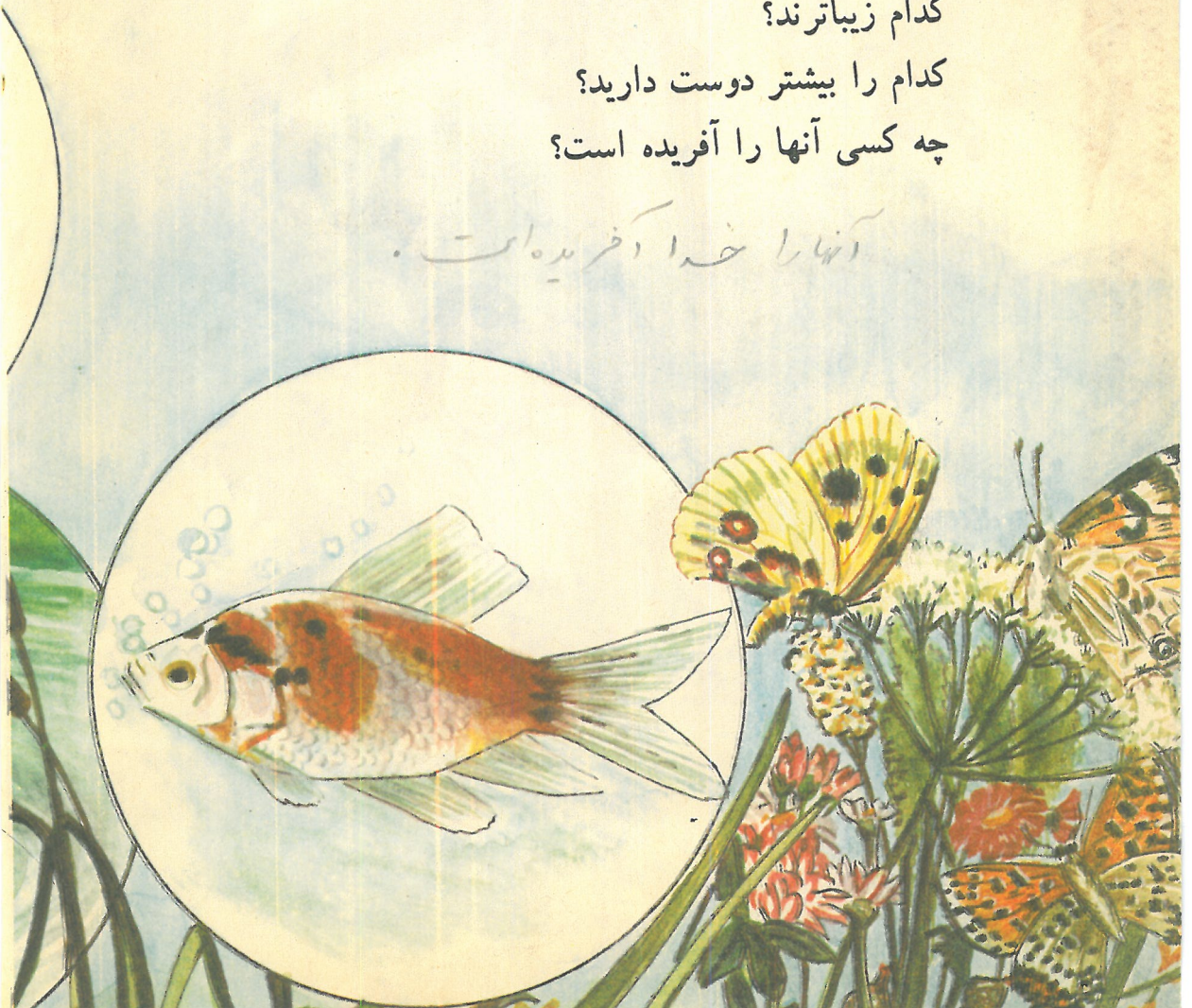
در کجا زندگی می‌کنند؟

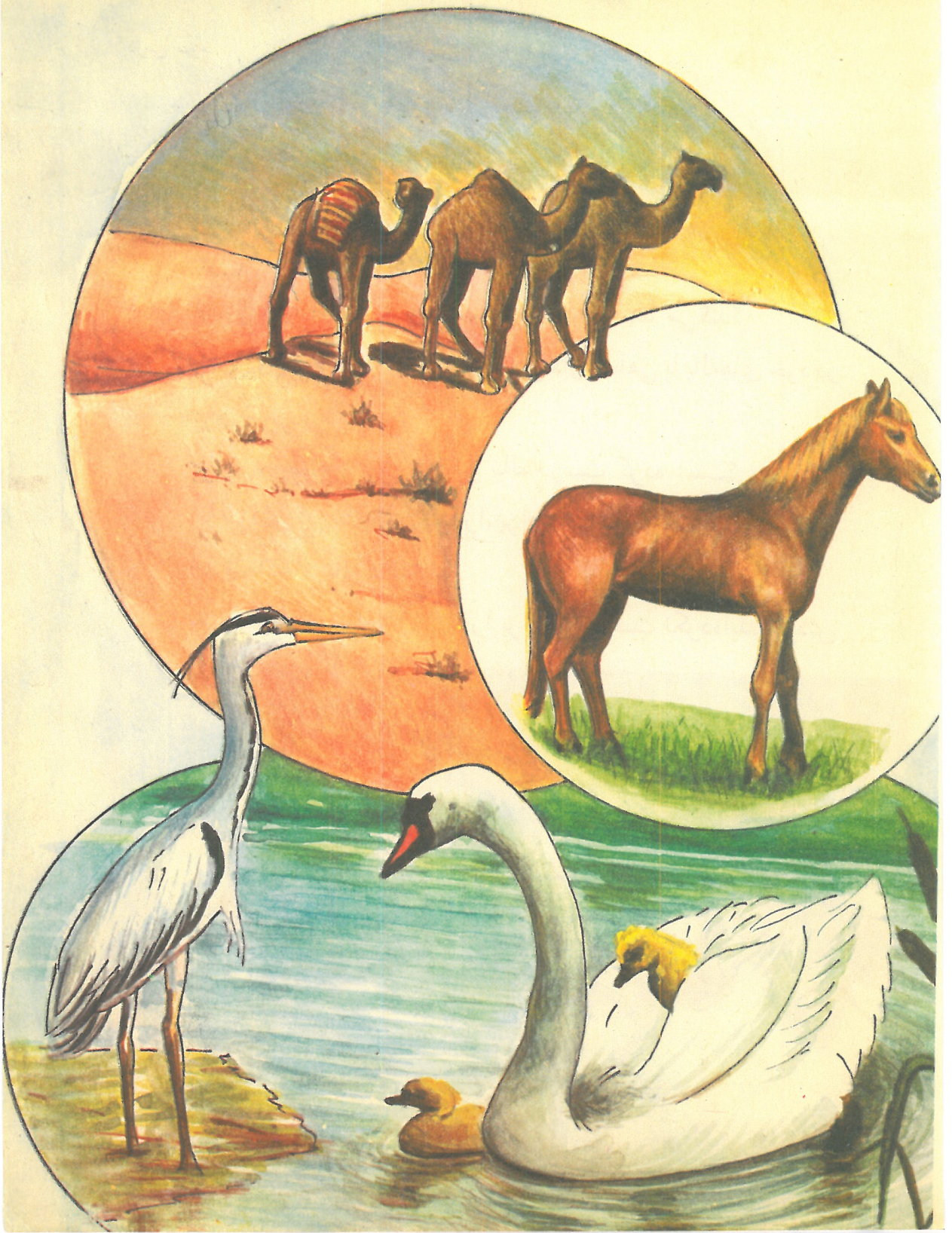
کدام زیباترند؟

کدام را بیشتر دوست دارید؟

چه کسی آنها را آفریده است؟

آنها را خدا آفریده است.





آیا ماهی دیده‌اید؟

آیا شما در خانه ماهی دارید؟

آیا ماهی را دوست دارید؟

ماهی در کجا زندگی می‌کند؟

آیا می‌دانید ماهی با چه وسیله‌ای در آب شنا می‌کند؟

بینید این ماهی چه باله‌های قشنگی دارد! ماهی با باله‌های خود در

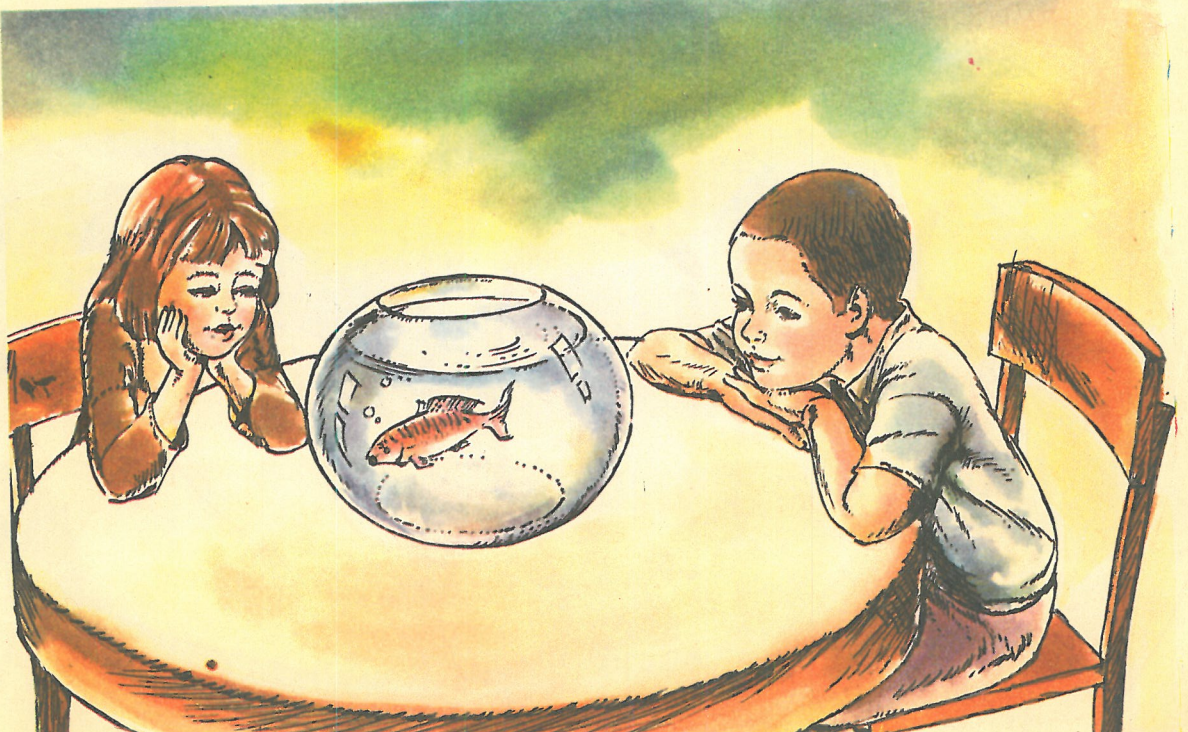
آب شنا می‌کند.

آیا می‌دانید چه کسی برایش باله درست کرده است؟

آیا خودش این باله‌های زیبا را، برای خودش درست کرده است؟

آیا شما به او باله داده‌اید؟

نه...! شما این باله‌های زیبا را برای او درست نکرده‌اید. خودش



هم که نمی‌تواند برای خود باله درست کند. پس چه کسی به او باله داده است؟

بله! خدای مهربان به این ماهی باله داده است تا بتواند در آب شنا

کند.

مادر آن - شنا کند.

تمرین



این جمله‌ها را کامل کنید:

- ۱ - ماهی با چه وسیله‌ای در آب _____ ؟
- ۲ - این ماهی چه _____ دارد.
- ۳ - ماهی با باله‌های خود در آب _____ ؟
- ۴ - آیا خودش این _____ درست کرده است؟
- ۵ - خودش که نمی‌تواند _____ درست کند؟
- ۶ - خدای مهربان به این ماهی _____ داده است؟

برای این ماهی باله بکشید.



چه کسی برای این ماهی باله کشیده است؟

داود و سعید برای گورشی به باغ رفتند اما درس خداشناسی آموخته بودند.

درس چهارم

درس خداشناسی

داوود و سعید با پدرشان به باغی رفتند. باغ بسیار زیبایی بود. درختان سرسبز و بلند و گل‌های رنگارنگ و قشنگی داشت. از وسط باغ نهر

بزرگی می‌گذشت، که چندین

مرغابی روی آن شنا

می‌کردند. مرغابیها به این

طرف و آن طرف می‌رفتند و

گاهی سرشان را زیر آب

شنا کرده





ما که نمی توانیم شنا کنیم

می بردند و چیزی می گرفتند و می خوردند. داوود به سعید گفت: سعید جان!

بین چه راحت شنا می کنند. تو هم می توانی مثل آنها شنا کنی؟

نگاه کن آن مرغابی از آب بیرون آمد و بالهایش را تکان داد و

ایستاد! پرهایش را بین. مثل این که اصلاً در آب نبوده است. راستی چرا

پرهای مرغابی آب را به خود نمی گیرند؟ آن مرغابی را بین، پرواز کرد و

رفت. اگر پرهایش خیس بود نمی توانست پرواز کند.

سعید گفت: راست گفتی، مثل این که پرهای مرغابی خیس

نمی شود. ولی من هم نمی دانم چرا؟ خوب است از پدر پرسیم.

داوود و سعید دویدند تا به پدر رسیدند، به پدر گفتند: پدر جان!

بیا مرغابیها را بین، در آب شنا می کنند اما پرهایشان تر نمی شود. چرا؟

چرا پرهای گنجشک و مرغ خانگی تر می شود؟ اما پرهای مرغابیها تر

نمی شود؟

همه با هم کنار نهر آمدند. پدر گفت: آفرین بر شما که از حالا به

فکر فهمیدن هستید. همیشه باید درباره چیزهایی که می بینید، فکر کنید و

هر چه را نمی دانید از کسی که می داند پرسید. پسرهای خوب من! چون

پرهای مرغابی چرب است آب را به خود نمی گیرد. اگر چرب نبود، در

آب خیس و سنگین می شد و مرغابی نمی توانست در آب شنا کند و در هوا

پرواز نماید.

سعید گفت: پدر جان! چه کسی پرهای مرغابی را چرب کرده

است؟

پدر جواب داد: پسرهای خوب من! خدای دانا و مهربان مرغایها را طوری آفریده است که پرهایشان همیشه چرب باشد.

خدا که همه چیز را آفریده است به فکر مرغایها هم بوده است. تا آنها بتوانند به راحتی در آب شنا کنند و در هوا پرواز نمایند.

اگر پرهایشان چرب نبود چگونه شنا می کردند؟ چگونه پرواز

می کردند؟

خدا که همه چیز را آفریده است، به فکر مرغایها هم بوده است.
پرسش و تمرین: خدای دانا و مهربان است.



۱ - وقتی مرغابی از آب بیرون آمد، داوود به برادرش چه گفت؟

از او چه پرسید؟

۲ - سعید به برادرش چه جواب داد؟

۳ - از پدرشان چه پرسیدند؟

۴ - پدر به آنها چه گفت؟

۵ - وقتی چیزی را نمی دانید چه می کنید؟

۶ - چه کسی مرغایها را طوری آفریده که پرهایشان چرب باشد؟

این جمله ها را کامل کنید:

۱ - پرهایش را ببین! مثل این که اصلاً _____ نبوده است.

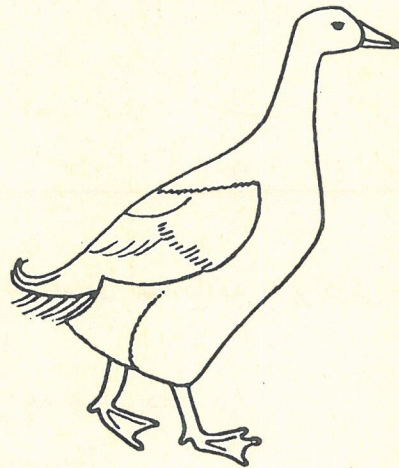
۲ - راستی چرا پرهای مرغابی _____ نمی گیرد؟

۳ - آفرین بر شما که از حالا به فکر _____ هستید.

۴ - خدای دانا و مهربان _____ را آفریده است.

- ۵ - اگر پرهايشان چرب نبود _____ مي کردند؟
۶ - ما دربارهٔ چيزهايي که مي بينيم _____ مي کنيم.

این مرغابی را رنگ کنید:



چه کسی این مرغابی را رنگ کرده است؟

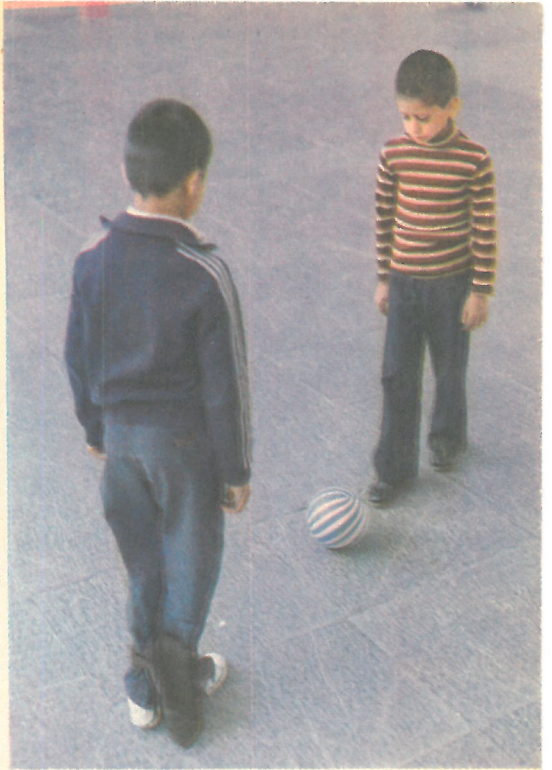
خدا ما را دوست دارد



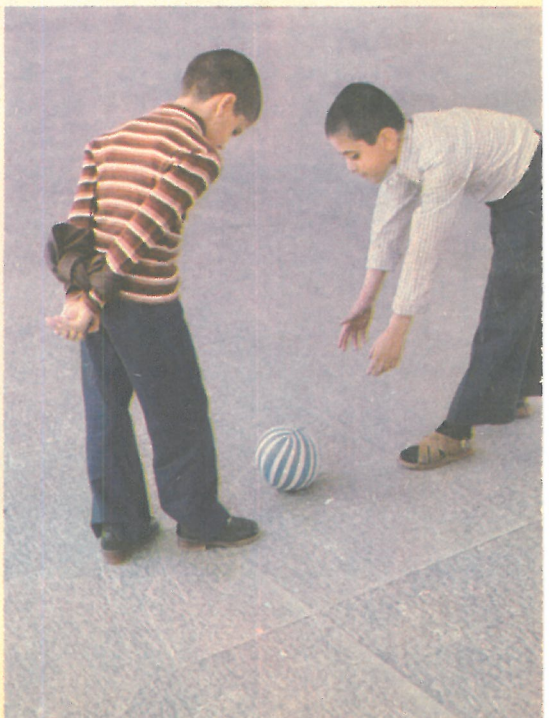
آیا این کودک می تواند ببیند؟ چرا نمی تواند؟
ما اگر چشم نداشتیم چه می کردیم؟
آیا می توانستیم ببینیم، بدویم، بازی کنیم و کار و کمک نماییم؟

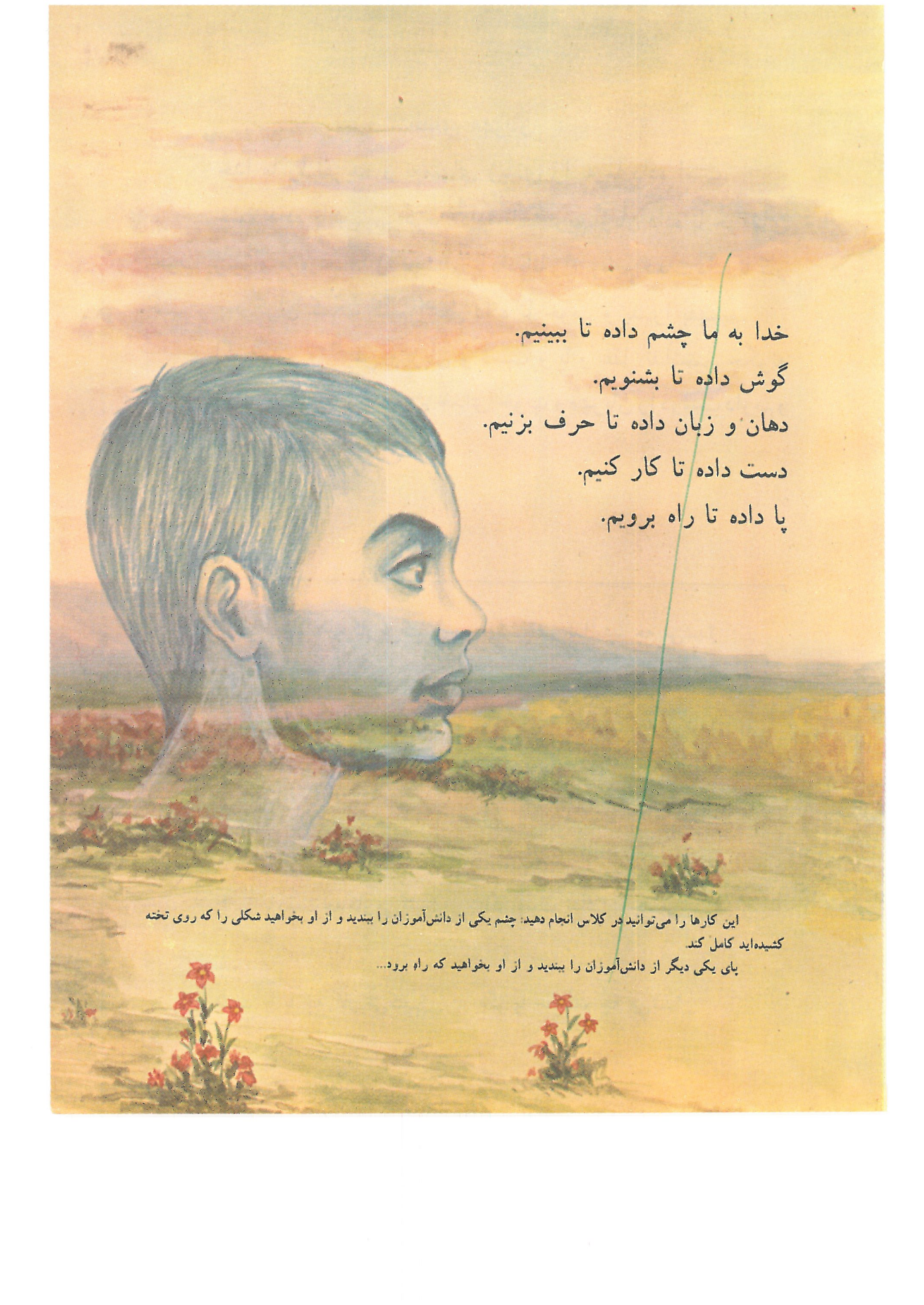


کدام یک از این کودکان نمی تواند بدود؟
چرا نمی تواند؟
آیا می تواند بازی کند؟
ما اگر پا نداشتیم چه می کردیم؟
آیا می توانستیم راه برویم، بدویم، بازی
کنیم و کار و کمک کنیم؟



کدام یک از این کودکان نمی تواند توپ را بردارد؟
آیا او می تواند غذا بخورد؟ چرا نمی تواند؟
ما اگر دست نداشتیم چه می کردیم؟
چه کسی به ما چشم و گوش و دست و پا
داده است؟
اگر دست نداشتیم چگونه کار می کردیم؟





خدا به ما چشم داده تا ببینیم.
گوش داده تا بشنویم.
دهان و زبان داده تا حرف بزنیم.
دست داده تا کار کنیم.
پا داده تا راه برویم.

این کارها را می‌توانید در کلاس انجام دهید: چشم یکی از دانش‌آموزان را ببندید و از او بخواهید شکلی را که روی تخته کشیده‌اید کامل کند.
بای یکی دیگر از دانش‌آموزان را ببندید و از او بخواهید که راه برود...

خدای مهربان

خدا ما را آفریده و نعمتهای زیادی را به ما داده است.
چشم داده تا ببینیم. گوش داده تا بشنویم. زبان داده تا حرفهای
خوب بزنیم و مزه غذاها را بچشیم. پا داده تا راه برویم. دست داده تا کار
کنیم و به دیگران کمک کنیم. عقل داده تا خوب و بد را بفهمیم.
اگر چشم و گوش و زبان و دست و پا و عقل نداشتیم، چگونه
می توانستیم زندگی کنیم؟ ما هم خدای خوب و مهربان را دوست داریم و
به فرمانهایش عمل می کنیم.



پرسشها:

- ۱ - با چشم چه کار می کنیم؟ اگر چشم نداشتیم چه می شد؟
- ۲ - با گوش چه کار می کنیم؟ اگر گوش نداشتیم چه می شد؟
- ۳ - با زبان چه کار می کنیم؟ اگر زبان نداشتیم چه می شد؟
- ۴ - با دست چه کار می کنیم؟ اگر دست نداشتیم چه می شد؟
- ۵ - با پا چه کار می کنیم؟ اگر پا نداشتیم چه می شد؟

۶ - با عقل چه کار می‌کنیم؟ اگر عقل نداشتیم چه می‌شد؟

۷ - چه کسی این نعمتها را به ما داده است؟

۸ - از کجا می‌فهمیم که خدا در ما است؟
۹ - در برابر نعمتها که به ما داده می‌کنیم؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:

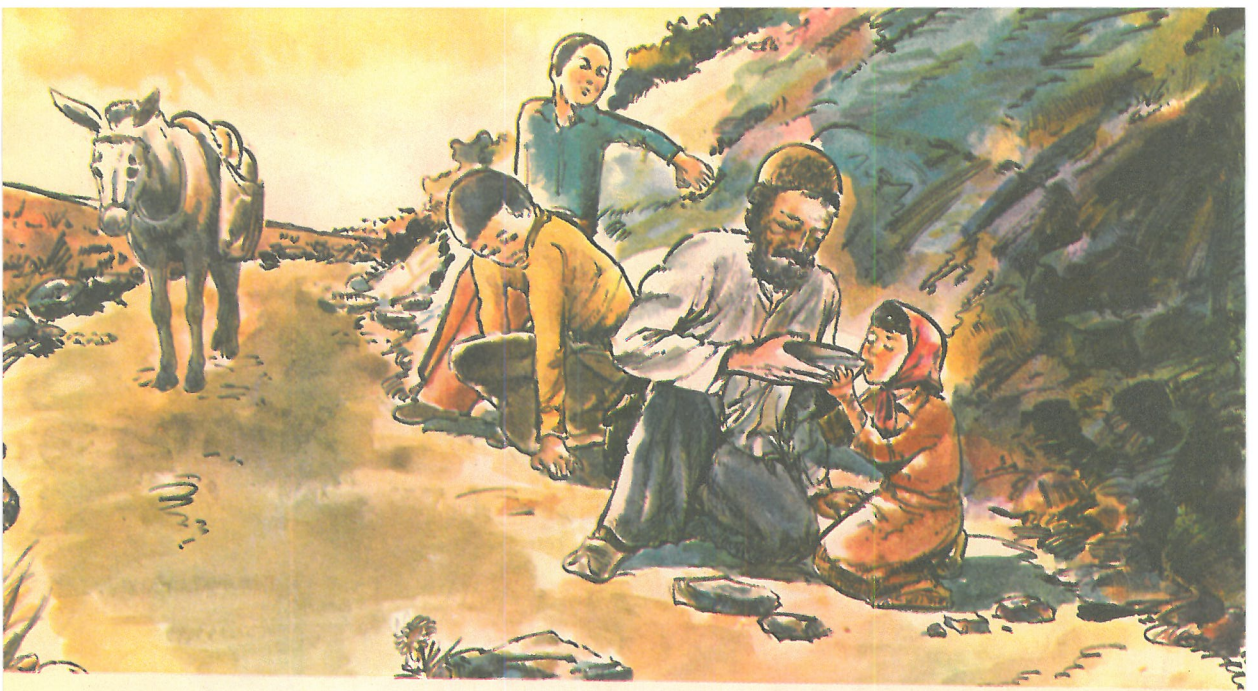


- ۱ - خدا ما را _____ و نعمتهای زیادی _____ است.
- ۲ - زبان داده تا _____ بزنیم و مزهٔ غذاها را بچشیم.
- ۳ - دست داده تا _____ و به دیگران _____ نماییم.
- ۴ - عقل داده تا _____ و _____ را بفهمیم.
- ۵ - ما هم خدای _____ دوست داریم و به _____ عمل می‌کنیم.

تشکر از خدا

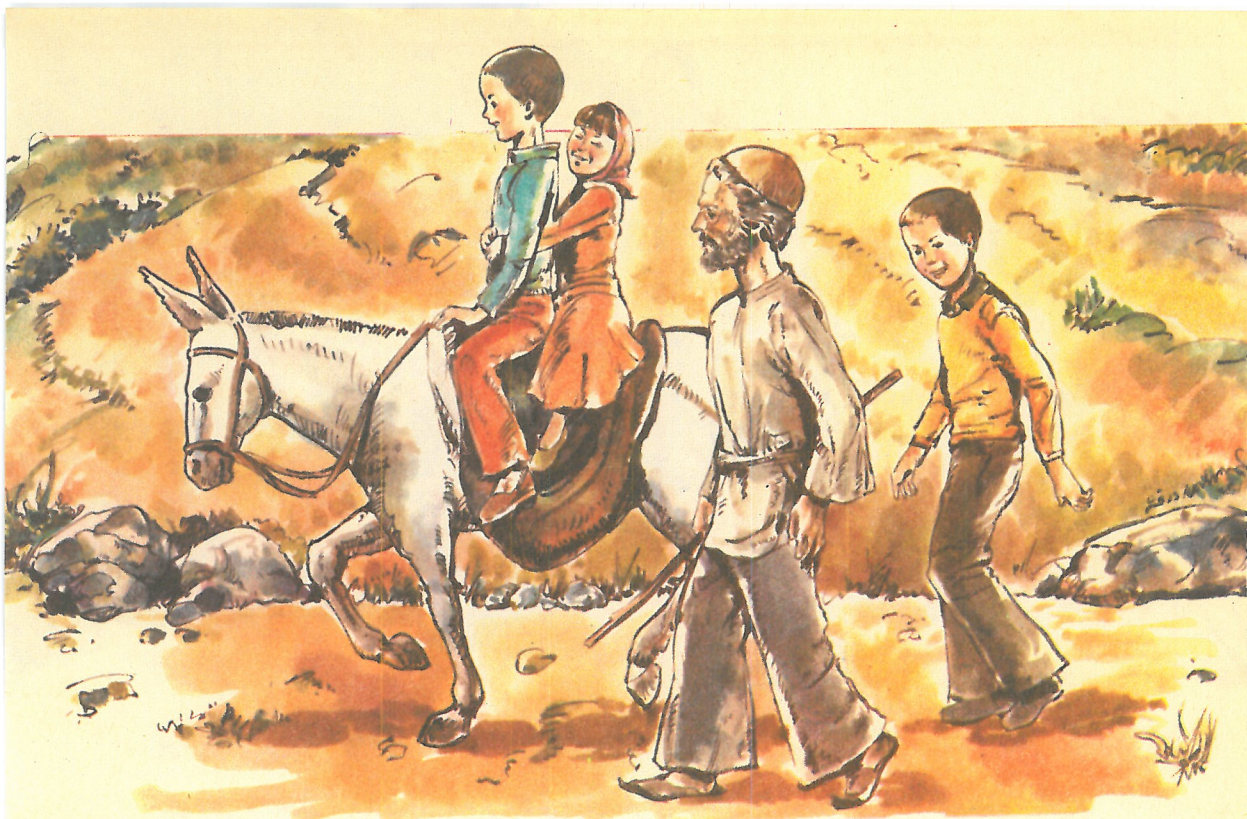
دهکدهٔ تقی آباد در پشت کوهها واقع شده است. این دهکدهٔ زیبا و کمی دورتر از جادهٔ اصلی قرار گرفته است. عموی من در این دهکده زندگی می‌کند. کار او کشاورزی و باغداری است. ما هر سال در فصل تابستان برای دیدن او به این دهکده می‌رویم. در آنجا هم گردش و تفریح می‌کنیم و هم در کارهای مزرعه به عمو کمک می‌کنیم. امسال هم مانند سالهای قبل وقتی تابستان فرا رسید و مدرسه‌ها تعطیل شد، یک روز پدر به ما گفت: آماده باشید که روز پنجشنبه به دیدار عمو خواهیم رفت. روز پنجشنبه فرا رسید. من و خواهر و برادرم به اتفاق پدر و مادر به سوی دهکده حرکت کردیم. مقداری که راه رفتیم از اتومبیل پیاده شدیم. پدر گفت: از اینجا تا تقی آباد را باید پیاده برویم. زیرا جادهٔ کوهستانی و باریک است و اتومبیل نمی‌تواند در آن حرکت کند. همه با هم به راه افتادیم. چون قبلاً هم چندین بار از این راه رفته





بودیم، من فکر می‌کردم راه را بخوبی می‌دانم از این رو با برادر و خواهرم جلو افتادیم که زودتر به منزل عمو برسیم. مقداری راه رفتیم ولی به تقی‌آباد نرسیدیم. ایستادیم تا پدر و مادر برسند ولی آنها را ندیدیم. از شدت خستگی و تشنگی بی‌حال و ناتوان شده بودیم، دیگر نمی‌توانستیم راه برویم، خسته و تشنه و گرسنه روی زمین افتادیم. پشیمان شدیم که چرا از پدر و مادر جدا شدیم در همان حال که از گرسنگی و تشنگی نزدیک بود بی‌حال شویم از خدا کمک خواستیم و دعا کردیم.

پیرمردی که سوار الاغ بود و برای درو و چیدن گندم به مزرعه خود می‌رفت، وقتی ما را دید نزد ما آمد، از الاغ پیاده شد، از کوزه‌آبی که همراه داشت، کاسه‌ای آب به ما داد. راستی چه آب گوارایی بود. به حال آمدیم و جان گرفتیم. پیرمرد نیکوکار سفره‌اش را باز کرد، نان و



پنیر داشت. مقداری نان و پنیر خوردیم نیرو و توان پیدا کردیم. در آن جا بود که ما ارزش آب و غذا را کاملاً فهمیدیم و از آن پیرمرد نیکوکار و مهربان تشکر کردیم. پیرمرد گفت: فرزندانم از خدا تشکر کنید که آب و غذا را برای ما آفریده است. اگر آب و غذا نبود ما چگونه می توانستیم زنده بمانیم؟ چگونه می توانستیم راه برویم و کار کنیم؟ باید از خدا تشکر کنیم، قدر نعمت های او را بدانیم و از دستوره های او پیروی کنیم.

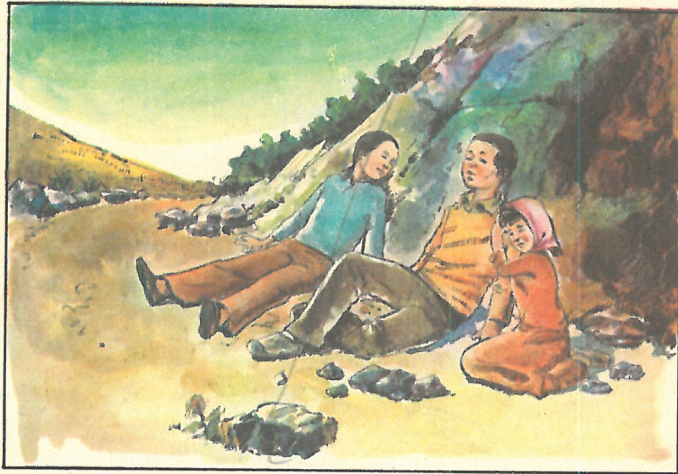
سپس پیرمرد ما را بر الاغ سوار کرد و به تقی آباد رسانید. ما از او تشکر کردیم و به طرف خانه عمو به راه افتادیم ولی همینطور سخنان پیرمرد در گوش ما بود. از خدا تشکر کنید که این همه نعمت را به ما داده است.

کرمی گفت



۱- چرا بیدار خدا تشکر کنیم؟
 ۲- چگونه قدر نعمت‌های خدا را بدانیم؟
 ۳- در عین وقت که ما داریم...

- ۱ - چگونه شد که بچه‌ها بی‌حال روی زمین افتادند؟
- ۲ - وقتی پیرمرد آنها را دید چه کرد؟
- ۳ - چه چیزهایی به آنها داد؟
- ۴ - آنها چرا از پیرمرد تشکر کردند؟
- ۵ - پیرمرد در باره تشکر از خدا به آنها چه گفت؟



این کودکان را ببینید. چرا بی‌حال روی زمین افتاده‌اند؟
 چرا قبلاً می‌توانستند بدون و از تپه بالا بروند؟ ولی اکنون نمی‌توانند؟
 چه طور شد که به‌حال آمدند؟
 اگر آب و غذا نخورده بودند به‌حال می‌آمدند؟
 چه کسی آب و غذا به آنها داد؟
 چه کسی آب و غذا را برای ما آفریده است؟

ای خدا

ای خدای ستاره‌های قشنگ
ای که ناهید* را تو آوردی
این همه کوه و تپه و دریا
بال زیبا برای پروانه
شادی و بازی و توانایی
برف و باران و گرمی و سردی
دل ما را تو پرکن از شادی
آنچه را از تو خواستم دادی

شعر از: موسوی گرمارودی

تمرین:

۱ - این شعر را حفظ کنید.

۲ - در کلاس باهم بخوانید.

* ناهید، نام یکی از ستاره‌های آسمان است.





نعمتهای خدا

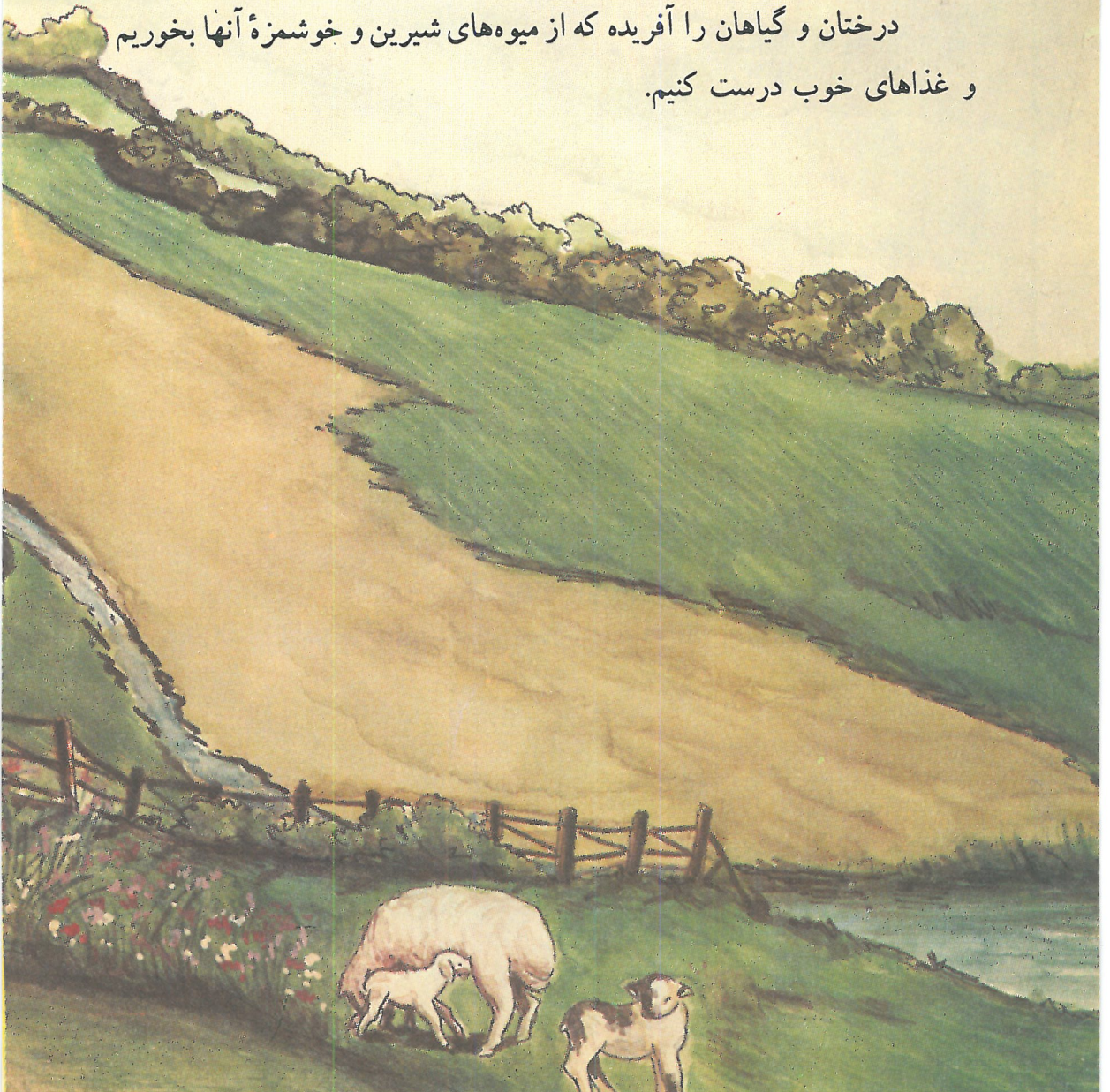
خدا مهربان است و نعمتهای بسیاری به ما داده است.

هوا را آفریده تا نفس بکشیم.

آب را آفریده که بنوشیم و خود را با آن بشویم.

درختان و گیاهان را آفریده که از میوه‌های شیرین و خوشمزه آنها بخوریم

و غذاهای خوب درست کنیم.




اگر هوا و آب و گیاه و درخت نبود، چگونه می توانستیم زندگی کنیم؟
چه کسی جز خدای دانا می تواند چنین نعمتهای خوبی را برای ما درست کند؟



خدا خیلی مهربان است که این نعمتها را برای استفاده ما آفریده است.

ما نیز خدای مهربان را دوست داریم و او را شکر می‌کنیم. از دستوره‌های خدا پیروی می‌کنیم تا در این جهان و جهان آخرت خوشبخت و سعادتمند زندگی کنیم. به درماندگان و تهی‌دستان نیز کمک می‌کنیم و در راه سعادت و خوشبختی بندگان خدا کوشش می‌نماییم.

پرسش و تمرین: 

- ۱ - چگونه می‌فهمیم که خدا به ما مهربان است؟
- ۲ - چرا خدا را شکر می‌کنیم؟
- ۳ - نام پنج نعمت خدا را بگویید.
- ۴ - برای این که سعادتمند بشویم، از دستوره‌های چه کسی باید پیروی کنیم؟
- ۵ - چگونه باید در راه خوشبختی بندگان خدا بکوشیم؟ چگونه باید به آنها کمک کنیم؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:

- ۱ - خدا _____ است و نعمتهای بسیار، به ما داده است.
- ۲ - هوا را آفریده تا _____ آب را آفریده تا _____.
- ۳ - ما نیز خدای مهربان را _____.
- ۴ - ما از دستوره‌های خدا _____ می‌کنیم، تا _____ زندگی کنیم.
- ۵ - به درماندگان و تهی‌دستان نیز _____.
- ۶ - در راه سعادت و خوشبختی بندگان خدا _____.

نتیجه کار و کوشش ما

جهان جبارت

بخش ۲

درس نهم

نتیجه کار و کوشش

این مرد کار می کند و گندم می کارد.

پس از مدتی زمینش، سبز و خرم می شود.

این مرد در تابستان، چه چیز درو می کند؟



هر که کار خوب کند، نتیجه خوب می گیرد.

«خدا کسانی را که کارهای خوب می کنند، دوست دارد.»

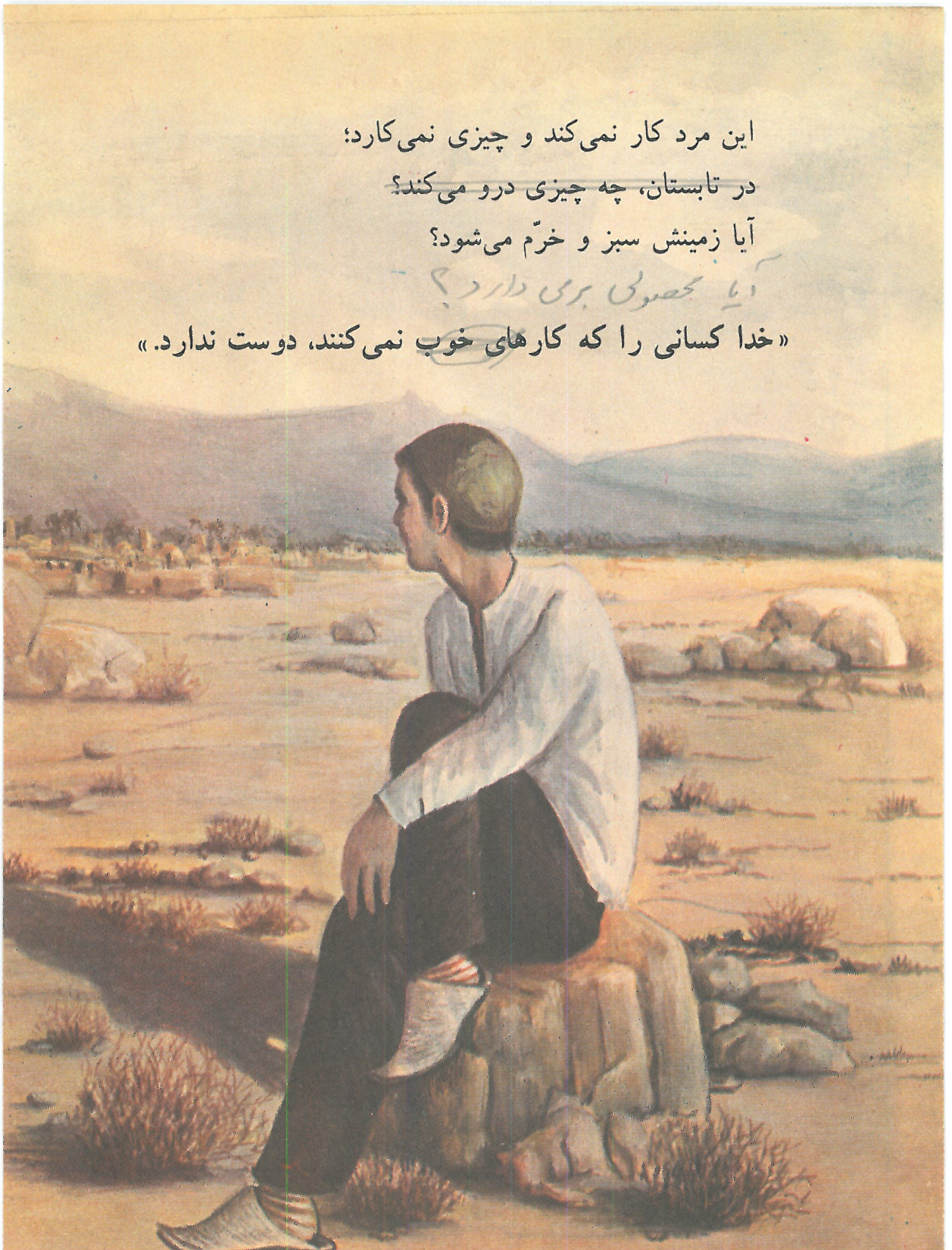
این مرد کار نمی‌کند و چیزی نمی‌کارد؛

در تابستان، چه چیزی درو می‌کند؟

آیا زمینش سبز و خرم می‌شود؟

آیا محصولی برمی‌دارد؟

«خدا کسانی را که کارهای خوب نمی‌کنند، دوست ندارد.»



جهان آخرت

معاد

مردم دو دسته‌اند:

یک دسته دیندار و نیکوکارند.

دسته دیگر بی‌دین و بدکارند.

آیا این دو دسته باهم مساوی هستند؟

آیا اشخاص نیکوکار و بدکار پیش خدا مساوی هستند؟

آیا نیکوکاران پاداشی ندارند؟ آیا بدکاران به سزای کارهایشان

خواهند رسید؟ بله، حتماً خواهند رسید. خدای مهربان نیکوکاران را

دوست دارد و بدکاران را دوست ندارد. *به نیکوکاران پاداشی ندهد و به بدکاران سزا دهد.*

خدا می‌فرماید: نیکوکاران و بدکاران پیش من مساوی نیستند. *به نیکوکاران پاداش دهد و به بدکاران سزا دهد.*

نیکوکاران پاداش نیکو می‌دهم و بدکاران را کیفر می‌کنم.

آری! خدای توانا، جهان دیگری دارد به نام جهان آخرت. وقتی

انسان بمیرد به آن جهان می‌رود. ما اگر نیکوکار باشیم و به دستورهای خدا

عمل کنیم، در جهان آخرت پاداش خوب می‌بینیم و با خوبی و آسایش در

بهشت زندگی می‌کنیم.

و اگر بی‌دین و بدکار باشیم و به دستورهای خدا عمل نکنیم، به

سزای کارهای خود می‌رسیم و در جهان آخرت زندگی بد و سختی

خواهیم داشت.

خدا به نیکوکاران پاداش نیکو می‌دهد و بدکاران را کیفر می‌کند.



پرسش و تمرین :



- ۱- دَمِج اَن مَر رَکَا مَرود؟
- ۲- آیا اشخاص نیکوکار و بدکار پیش خدا مساوی هستند؟
- ۳- خدا چه کسانی را دوست دارد و چه کسانی را دوست ندارد؟
- ۴- پاداش نیکوکاران که به دستورهای خدا عمل می‌کنند، در جهان آخرت چیست؟
- ۵- زندگی افراد بی‌دین و بدکار که به دستورهای خدا عمل نمی‌کنند، در جهان آخرت چگونه است؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:



- ۱- مردم دو دسته‌اند: یک دسته _____ و _____ هستند و دسته دیگر _____ و _____.
- ۲- نیکوکاران و بدکاران پیش خدا _____ نیستند.
- ۳- خدای توانا، جهان دیگری دارد به نام _____.
- ۴- ما اگر نیکوکار باشیم و به دستورات خدا عمل کنیم، در جهان آخرت _____ می‌بینیم.
- ۵- و اگر بدکار باشیم و به دستورهای خدا عمل نکنیم، در جهان آخرت زندگی _____ خواهیم داشت.

روز جدایی

آخر سال، وقتی که دانش‌آموزان کارنامه‌های خود را می‌گیرند، عده‌ای خوشحال و خندانند، کارنامه خود را به دیگران نشان می‌دهند و همه به آنها تبریک و آفرین می‌گویند، این بچه‌ها کوشش کرده‌اند و قبول شده‌اند.

و بعضی تا کارنامه خود را می‌گیرند ناراحت می‌شوند و سرشان را پایین می‌اندازند و با خود می‌گویند: ای کاش درس می‌خواندیم! ای کاش کوشش می‌کردیم! و ای کاش....


این بچه‌ها قبول نشده‌اند و از بچه‌های کوشا جدا می‌شوند!! در روز قیامت هم، عده‌ای خوشحال و خندانند و کارنامه خود را با



دست راست می گیرند، و به بهشت می روند و در آن باغهای پرمیوه و خرم،
با دوستان خوب زندگی می کنند.


این بهشت زیبا پاداش خوبی و نیکوکاری آنهاست.
و بعضی از مردم، کارنامه خود را با دست چپ می گیرند، اینها
ناراحت و گریانند و سرشان را پایین می اندازند و با خود می گویند:
ای کاش در دنیا خوب بودیم!
ای کاش به کسی آزار نمی رساندیم!
و ای کاش....

اینها به جهنم می روند و چیزی جز درد و آتش نمی بینند، این جهنم
سوزان، جزای بدی و ستمگری آنهاست.

روز قیامت روز جدایی است، 
خوبها، از بدها و نیکوکاران، از ستمکاران جدا می شوند.



- ۱ - در روز قیامت، چه افرادی کارنامه خود را با دست راست می گیرند؟
- ۲ - چه افرادی کارنامه خود را با دست چپ می گیرند؟
- ۳ - این افراد، با خود، چه می گویند؟
- ۴ - چرا روز قیامت را روز جدایی می گویند؟
- ۵ - بهشت پاداش چه کسانی و جهنم جزای چه افرادی است؟

جمله‌های زیر را کامل کنید: 

- ۱ - نیکوکاران در روز قیامت خوشحال و _____ و به _____ می روند و در آن _____ با دوستان _____ زندگی می کنند.
- ۲ - ستمکاران در روز قیامت، ناراحت _____ و سرشان را _____ می اندازند و با خود می گویند:
- ای کاش _____ ! ای کاش به _____
- اینها به جهنم می روند و چیزی _____ نمی بینند.

پیامبران خدا

~~آیا می‌دانید پیامبران چه کسانی هستند؟~~

پیامبران مردان بزرگی هستند که خدای مهربان آنها را برای راهنمایی مردم انتخاب کرده است.


پیامبران پیامهای خدای مهربان را به مردم می‌رسانند و بهترین درسها را که برای دنیا و آخرت مردم سودمند است به آنها می‌آموزند و مردم را به بهترین زندگی راهنمایی می‌کنند.

~~چه کسی این درسها را به پیامبران آموخته است؟~~

خدای مهربان این درسها را به پیامبران آموخته است و به آنها فرمان داده تا مردم را به کارهای نیکو فرمان دهند و از کارهای بد بازدارند تا در این جهان، و جهان دیگر، سعادت‌مند و خوشبخت شوند.


پیامبران، مردم را به پرستش خدای مهربان و انجام کارهای نیک دعوت کرده‌اند. پیامبران به مردم سفارش کرده‌اند: با هم مهربان باشید، دوستان خدا را دوست بدارید و دشمنان خدا را دشمن بدانید، با ستمکاران دشمنی کنید و ستم‌دیدگان را یاری و کمک نمایید.

پیامبران رهبر و راهنمای مردم هستند.
اگر مردم رهبر و راهنما نداشته باشند چگونه می‌توانند راه درست
زندگی را پیدا کنند؟

پرسش و تمرین: 

- ۱ - پیامبران را چه کسی انتخاب کرده است؟ برای چه کاری؟
- ۲ - خدای مهربان به پیامبران چه فرمانی داده است؟
- ۳ - پیامبران مردم را به دو چیز مهم دعوت کرده‌اند، آن دو چیست؟
- ۴ - پیامبران پنج چیز مهم دیگر را به مردم سفارش کرده‌اند، آنها را بگویید.
- ۵ - رهبر و راهنمای زندگی مردم کیست؟
- ۶ - چه کسانی پیامهای خدای مهربان را به مردم می‌رسانند؟
- ۷ - چه کسانی بهترین درسها را به مردم می‌آموزند؟
- ۸ - چه کسانی مردم را به بهترین زندگی راهنمایی می‌کنند؟

باستفاده از بایده کرد؟
باستفاده از نبایده کرد؟

این جمله‌ها را کامل کنید: 

- ۱ - پیامبران مردم را به _____ و انجام کارهای نیک دعوت می‌کنند.
- ۲ - پیامبران مردم را به بهترین _____ راهنمایی می‌کنند.
- ۳ - پیامبران _____ خدای مهربان را به مردم می‌رسانند.
- ۴ - پیامبران _____ و _____ مردم هستند.



آخرین پیامبر خدا

پیامبر ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) آخرین پیامبر خداست. در شهر مکه به دنیا آمد. در چهل سالگی خدا او را به پیامبری برگزید. خدا راه سعادت و زندگی را به او نشان داد و فرمان داد که مردم را راهنمایی کند. تا سه سال مردم را پنهانی به «دین اسلام» دعوت می کرد. بعد از سه سال، خدا فرمان داد که دعوتش را آشکار کند.

پیامبر گرامی روی تخته سنگی ایستاد. مردم را صدا زد. مردم او را می شناختند. به سویش دویدند و دورش جمع شدند. او می خواست با مردم صحبت کند و به آنها مژده دهد. به مردم گفت: ای مردم! من پیامبر خدا هستم. من راهنمای شما هستم. من راهنمای گم شدگان هستم. من بهترین هدیه ها را برای شما آورده ام.



من از طرف خدا برای شما پیام آورده‌ام: به خدای یگانه ایمان بیاورید تا رستگار شوید. بگویید: «لا اله الا الله» و خود را از خواری و پستی و گمراهی نجات دهید.

پیامبر گرامی ما بهترین هدیه را برای ما آورده است.



پرسش و تمرین:



- ۱ - پیامبر گرامی ما در کدام شهر به دنیا آمد؟
- ۲ - خدا او را در چند سالگی به پیامبری برگزید؟
- ۳ - پیامبر چگونه دعوت خود را آشکار کرد؟
- ۴ - به مردم چه گفت؟
- ۵ - به مردم گفت چه بگویند تا بتوانند خود را از ذلت نجات دهند؟

این جمله‌ها را کامل کنید:



- ۱ - مردم _____ را می‌شناختند، به سویس دویدند.
- ۲ - پیامبر به مردم گفت: من _____ گم‌شدگان هستم.
- ۳ - من از طرف _____ برای شما _____ آورده‌ام.
- ۴ - ای مردم! بگویید: « _____ » و خود را نجات دهید.
- ۵ - پیامبر گرامی ما _____ را برای ما آورده است.

دین چیست؟

خدای خوب و مهربان، برای سعادت ما دستورهایی را فرستاده است، این دستورها و راهنماییها را پیامبران برای ما آورده‌اند. پیامبران، راه خداشناسی و بهترین راه زندگی را به ما نشان داده‌اند.

پیامبران به ما گفته‌اند که:

با دیگران چگونه رفتار کنیم.

پدر و مادر خود را چگونه احترام کنیم.

از آموزگار خود چگونه تشکر کنیم.

پیامبران به ما گفته‌اند که:

با خدای خوب خود چگونه صحبت کنیم.

چه کارهایی بکنیم تا خدا از ما راضی باشد.

برای آینده خود در آخرت، چه چیزهایی لازم داریم.

دین یعنی چه؟

دستورها و برنامه‌هایی که پیامبران برای زندگی دنیا و آخرت ما

آورده‌اند «دین» نامیده می‌شود.

دیندار کیست؟

کسی که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد و دستورهای پیامبران را عمل می‌کند «دیندار» است.

خدا مردم دیندار را دوست دارد و به آنان پاداش نیک می‌دهد. آدمهای دیندار، در این جهان به‌خوبی زندگی می‌کنند و در جهان آخرت نیز، خوشبخت خواهند بود.



پرسشها:

- ۱ - دستورها و راهنماییهای خدا، برای چیست؟
- ۲ - این دستورها و راهنماییها را چه کسانی برای ما آورده‌اند؟
- ۳ - پیامبران، چه چیزهایی به ما گفته‌اند؟
- ۴ - دین، یعنی چه؟
- ۵ - به چه کسی دیندار می‌گویند؟
- ۶ - مردم دیندار، در این جهان، و در جهان آخرت، چگونه زندگی می‌کنند؟
- ۷ - خدا با مردم دیندار، چگونه رفتار می‌کند؟

این جمله‌ها را کامل کنید:



- ۱ - خدا مردم دیندار را _____ دارد.
- ۲ - خدا به مردم دیندار _____ می‌دهد.
- ۳ - کسی که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد و _____ دیندار است.
- ۴ - دستورها و برنامه‌های پیامبران _____ نامیده می‌شود.

پیامبران بزرگ

خدا برای راهنمایی مردم، پیامبران بسیاری را فرستاده، که
بزرگترین آنان پنج نفرند:

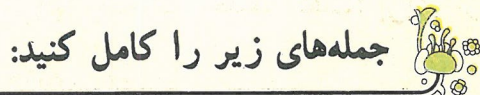
- ۱ - حضرت نوح علیه السلام*
- ۲ - حضرت ابراهیم علیه السلام
- ۳ - حضرت موسی علیه السلام
- ۴ - حضرت عیسی علیه السلام
- ۵ - حضرت محمد علیه السلام

پیروان حضرت موسی را یهودی می گویند.
پیروان حضرت عیسی را مسیحی می گویند.
پیروان حضرت محمد را مسلمان می گویند.

همه پیامبران، از طرف خدا بوده اند و ما به همه آنان، احترام
می گذاریم. اما حضرت محمد از همه پیامبران، بزرگتر و برتر است. ^P پیامبری با
حضرت محمد آخرین پیامبر بوده و بعد از او پیامبر دیگری
نخواهد آمد.



- ۱ - پیغمبران بزرگ چند نفرند و نامشان چیست؟
- ۲ - به چه کسی، یهودی می‌گویند؟
- ۳ - به چه کسی، مسیحی می‌گویند؟
- ۴ - به پیروان حضرت محمد، چه می‌گویند؟
- ۵ - نام آخرین پیغمبر خدا چیست؟
- ۶ - بزرگترین و برترین پیغمبر خدا کیست؟



- ۱ - همهٔ پیامبران از _____ بوده‌اند و ما به _____ احترام می‌گذاریم.
- ۲ - اما حضرت محمد از همهٔ پیامبران _____ و _____ است.
- ۳ - حضرت محمد _____ بوده و بعد از او _____ نخواهد آمد.

کودکی حضرت محمد

حضرت محمد در یکی از خانواده‌های مکه به دنیا آمد. پدرش «عَبْدُالله» و مادرش «آمنه» نام داشت.

پیش از آن که از مادر متولد شود، پدرش از دنیا رفت. وقتی به دنیا آمد مادرش او را به دایه‌ای سپرد. نام دایه محمد «حَلیمه» بود. حلیمه، محمد را به کوهستان برد تا او را در هوای آزاد پرورش دهد.

محمد چهار ساله شد. روزی خواست با چوپانها به صحرا رود. حلیمه موهای او را شانه زد. لباس نو به او پوشاند و گردن بندی که چند مهره سبز رنگ داشت به گردنش آویخت.

محمد پرسید: این گردن بند برای چیست؟ حلیمه گفت: برای آن است که در بیابان تو را از خطر حفظ کند.

محمد آن را از گردن خود باز کرد و کنار گذاشت و گفت: کسی هست که مرا از همه خطرها نگاه می‌دارد. از این گردن بند و مهره‌های آن کاری ساخته نیست.

حلیمه پرسید: کیست که تو را از همه خطرها حفظ می‌کند؟ محمد گفت: خدا، که ما را آفریده است.

خدا نگاهدار همه ماست.



پرسش و تمرین:



- ۱ - نام پدر حضرت محمد چه بود؟ نام مادرش چه بود؟
- ۲ - نام دایه‌اش چه بود؟ پیامبر ما در کودکی کجا پرورش یافت؟
- ۳ - چرا حضرت محمد آن گردن‌بند را از گردن خود باز کرد؟
- ۴ - حلیمه از حضرت محمد چه پرسید؟
- ۵ - او در پاسخ چه گفت؟

با کودکان مهربان بود

پیامبر گرامی ما کودکان را دوست می‌داشت و با آنان بسیار مهربان بود. کودکان را بر دوش خود سوار می‌کرد و با آنها راه می‌رفت. کودکان، شادمان و خشنود می‌شدند و می‌خندیدند، پیامبر هم از خشنودی و خنده پاک کودکان خوشحال می‌شد و لبخند می‌زد. روزی دو فرزند



کوچکش، حسن و حسین را به روی زانویش نشانده بود و می‌بوسید و نوازش می‌کرد. مردی که از آن جا می‌گذشت رفتار پیامبر را دید. تعجب کرد و گفت: من ده فرزند دارم و هنوز حتی یکی از آنان را نبوسیده‌ام. این سخن را گفت و رفت.

پیامبر سخن این مرد نامهربان را شنید، ناراحت شد و با ناراحتی فرمود: گمان نکنم این مرد در جهان آخرت به بهشت وارد شود. پیامبر گرامی ما به کودکان سلام می‌کرد و می‌فرمود: من به کودکان سلام می‌کنم و به آنها احترام می‌گذارم تا مسلمانان از رفتار من پیروی کنند و همیشه کودکان را گرامی بدارند.

پیامبر گرامی ما حضرت محمد، دربارهٔ کودکان — دختران و پسران — به مسلمانان سفارش می‌کرد و می‌فرمود: ای مسلمانان! ای پدران و مادران! ای پیروان من! کودکان را گرامی بدارید و با آنها مهربان باشید. زیرا کسی که با کودکان مهربان نباشد از ما مسلمانان نیست.

پیامبر گرامی ما با کودکان مهربان بود و از خندهٔ پاک کودکان خوشحال می‌شد.





- ۱ - رفتار پیامبر ما با کودکان چگونه بود؟
- ۲ - آن مرد که رفتار پیامبر را با دو فرزندش دید، چه گفت؟
- ۳ - پیامبر وقتی سخن او را شنید چه گفت؟
- ۴ - پیامبر ما دربارهٔ کودکان چه سفارش می کرد؟

۵ - آیا شما هم به کودکان احترام می گذارید؟ چرا؟

این جمله‌ها را کامل کنید:



- ۱ - پیامبر ما می فرمود: من به کودکان _____ و به آنها احترام می گذارم.
- ۲ - تا مسلمانان از رفتار من _____ کنند و همیشه کودکان را _____ بدارند.
- ۳ - پیامبر کودکان را بر دوش خود _____ و با آنها راه می رفت.
- ۴ - پیامبر از خندهٔ پاک کودکان _____ و لبخند می زد.
- ۵ - با کودکان _____ باشید زیرا کسی که _____ مهربان نباشد _____ نیست.

دین اسلام

بهترین دین، برای بهترین زندگی

پیامبر ما حضرت محمد به مردم می فرمود: من همه خوبیهای دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام و خدا به من فرمان داده است که همه مردم جهان را به دین اسلام دعوت کنم.

دین اسلام چیست؟

همه دستوره‌های خدا را که حضرت محمد آورده «دین اسلام» می‌گویند، دین اسلام بهترین و کامل‌ترین دینهاست.

مسلمان کیست؟

مسلمان کسی است که خدا را به یگانگی می‌پرستد و می‌کوشد تا در همه کارها از دستوره‌های خدا، که حضرت محمد آورده است، پیروی کند.

کتاب دینی ما مسلمانها چه نام دارد؟

نام کتاب دینی ما «قرآن» است. قرآن برنامه زندگی است، که خدا برای راهنمایی ما فرستاده است.

ما مسلمانان به قرآن احترام می‌گذاریم و به دستوره‌هایش عمل

می‌کنیم.

قرآن آخرین کتاب آسمانی است.





- ۱ - حضرت محمد در باره آنچه از سوی خدا آورده بود، به مردم چه می فرمود؟
- ۲ - خدا به حضرت محمد در باره دعوت مردم، چه فرمان داد؟
- ۳ - آیا دین اسلام، فقط برای بعضی از مردم جهان آمده است؟
- ۴ - به چه چیزهایی «دین اسلام» می گویند؟
- ۵ - دین اسلام چگونه دینی است؟
- ۶ - مسلمان کیست؟
- ۷ - نام کتاب دینی ما مسلمانان چیست؟
- ۸ - ما چگونه قرآن را احترام می کنیم؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:



- ۱ - دین اسلام برای همه مردم _____ است.
- ۲ - دستورهای خدا را که حضرت محمد آورده _____ می گویند.
- ۳ - مسلمان کسی است که _____ و می کوشد تا در همه کارها و برنامه‌هایش از _____ پیروی کند.
- ۴ - قرآن کتاب _____ ما و برنامه _____ ماست.
- ۵ - ما مسلمانان به _____ احترام می گذاریم و می کوشیم که به دستورهایش _____ کنیم.

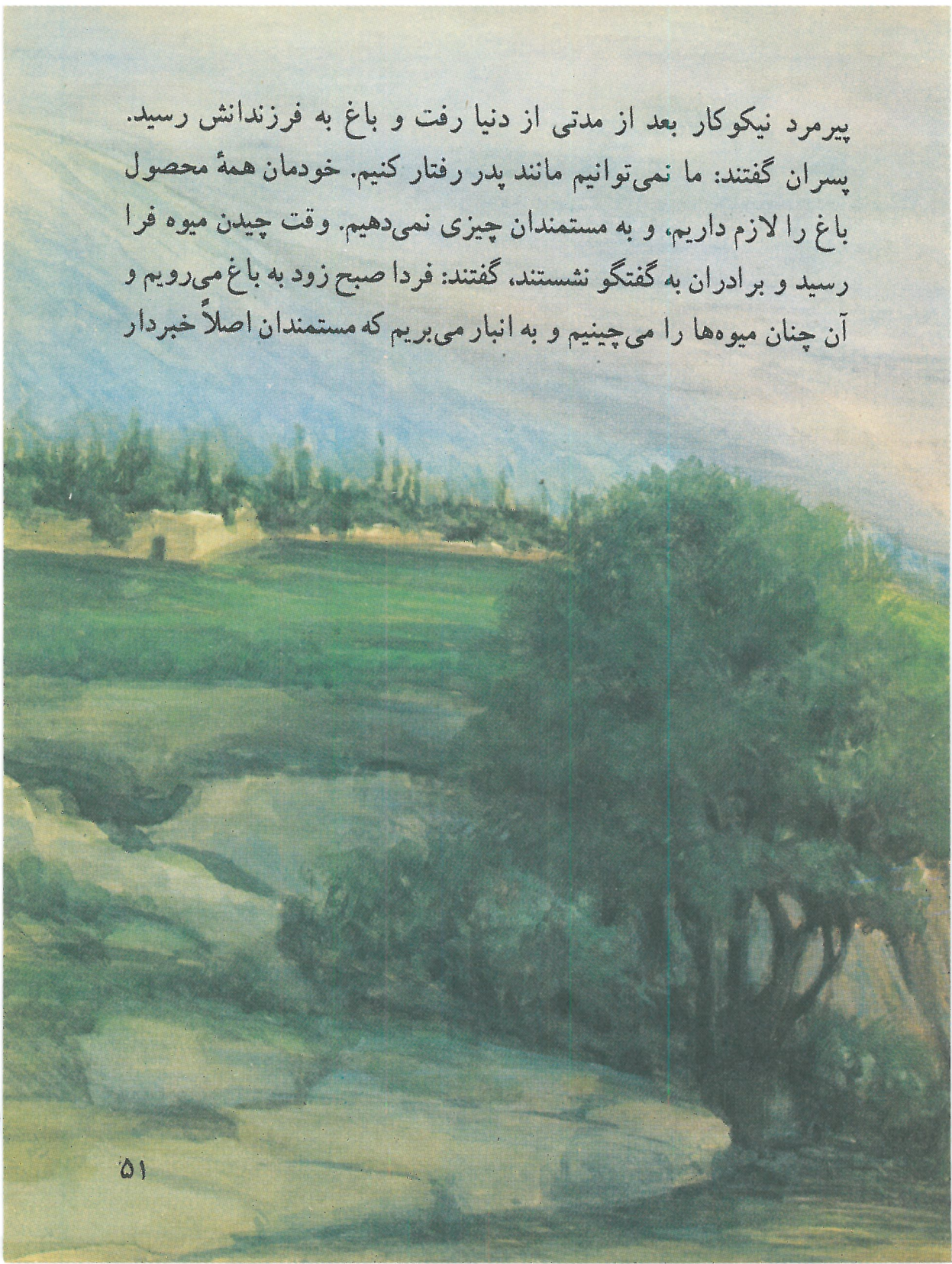
درس نوزدهم
یک داستان آموزنده از قرآن

باغی که سوخت

پیرمردی در یمن زندگی می‌کرد که بسیار نیکوکار و دلسوز بود.
باغ بسیار بزرگی داشت پر از درختان میوه. پیرمرد مقداری از محصول
باغ را برای خودش برمی‌داشت و بقیه را در راه خدا به مستمندان می‌داد.



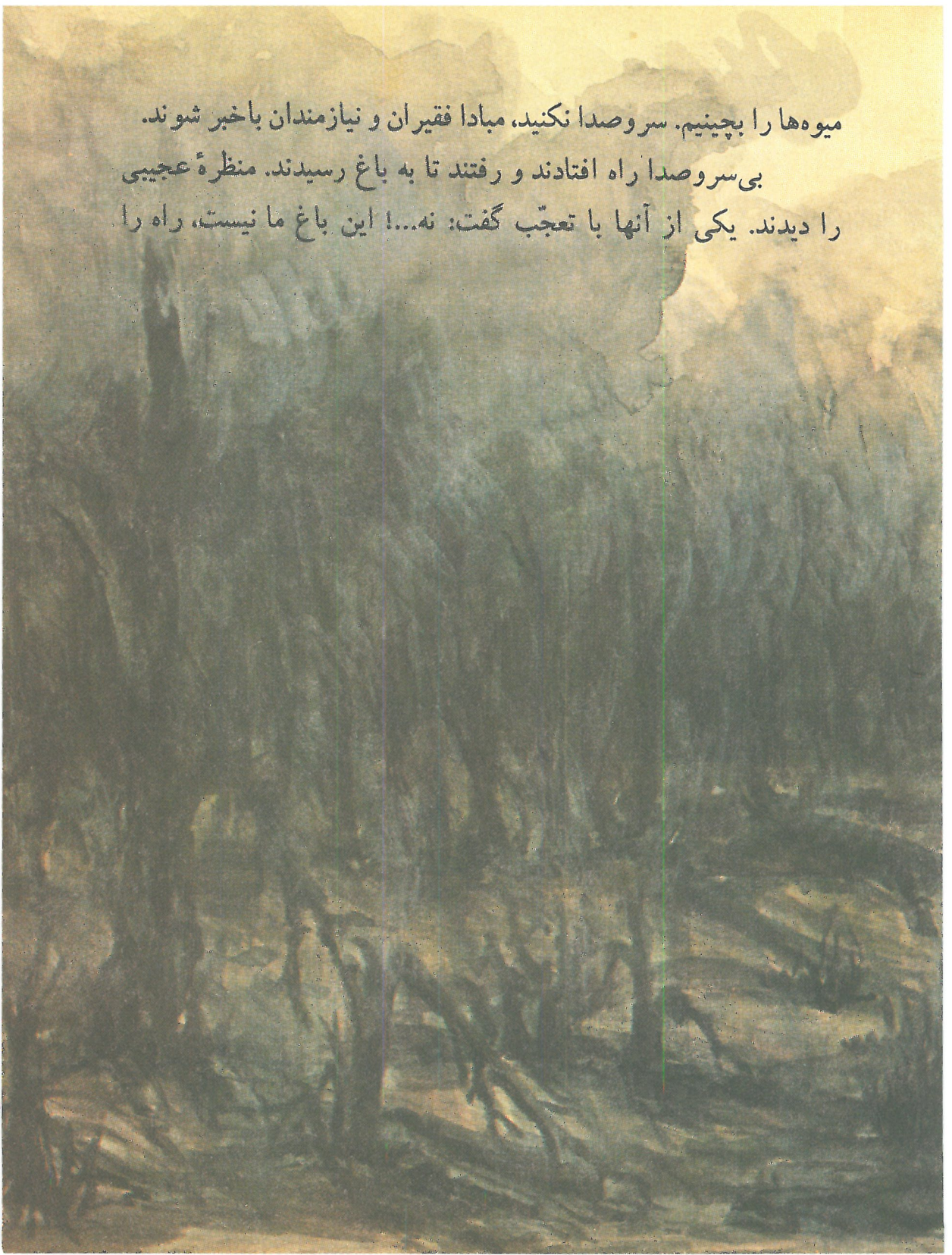
پیرمرد نیکوکار بعد از مدتی از دنیا رفت و باغ به فرزندانش رسید. پسران گفتند: ما نمی‌توانیم مانند پدر رفتار کنیم. خودمان همه محصول باغ را لازم داریم، و به مستمندان چیزی نمی‌دهیم. وقت چیدن میوه فرا رسید و برادران به گفتگو نشستند، گفتند: فردا صبح زود به باغ می‌رویم و آن چنان میوه‌ها را می‌چینیم و به انبار می‌بریم که مستمندان اصلاً خبردار



نشوند. یکی از برادران که داناتر بود گفت: برادران نعمت‌های خدا را سپاس گوید و همانند پدر به مستمندان کمک کنید. برادران دیگر ناراحت شدند و گفتند: چرا در کار ما دخالت می‌کنی؟ باغ مال خود ما است و به محصولاتش احتیاج داریم، به هیچ کس هم چیزی نمی‌دهیم. شب تاریک شد و برادران خوابیدند که فردا صبح زود دنبال برداشت میوه بروند. آسمان به فرمان خدا در همان شب برق زد و درختان باغ را سوزانید و مانند زغال سیاه کرد. صبح شد، صاحبان باغ بیدار شدند. گفتند: زود باشید برویم



میوه‌ها را بچینیم. سرو صدا نکنید، مبادا فقیران و نیازمندان باخبر شوند.
بی سرو صدا راه افتادند و رفتند تا به باغ رسیدند. منظره‌ی عجیبی
را دیدند. یکی از آنها با تعجب گفت: نه...! این باغ ما نیست، راه را



اشتباه آمده‌ایم. دیگری گفت: چرا...! باغ ما همین است. افسوس که سوخته است.

برادر نیکوکار گفت: نگفتم خدا را فراموش نکنید و به دستوره‌ای او عمل کنید؟ نگفتم به نیازمندان کمک کنید؟ این سزای دنیای شماست. عذاب آخرت هم برای شما خیلی سخت‌تر و پایدارتر است. این است سزای کسانی که به نیازمندان کمک نکنند و حقوق فقرا را نپردازند.

عذاب آخرت برای گنهکاران سخت‌تر و پایدارتر است.



فکر کنید و پاسخ دهید:

- ۱ - روش آن پیرمرد نیکوکار در بارهٔ محصول باغش چه بود؟
- ۲ - پسرانش در بارهٔ روش خود و پدرشان چه گفتند؟
- ۳ - وقتی هنگام چیدن محصول فرا رسید، چه قراری گذاشتند؟
- ۴ - نصیحت برادر داناتر چه بود؟
- ۵ - پاسخ برادرانش چه بود؟
- ۶ - صبح که برای چیدن محصول رفتند با چه منظره‌ای روبرو شدند؟
- ۷ - نصیحت برادر داناتر، هنگامی که باغ سوخته را دیدند، چه بود؟
- ۸ - عذاب آخرت برای چه کسانی است؟

درس بیستم

کودک نیکوکار

احمد پسر بسیار خوبی است. به کسی اذیت نمی‌کند. با خواهر و برادرش رفیق و مهربان است. به خواهرش مهین، که در کلاس اول درس می‌خواند، کمک می‌کند



تا درسهایش را خوب یاد بگیرد. در ساعتهای بی کاری به همکلاسیهایش کمک می کند تا درسهایشان را حاضر کنند.

احمد نسبت به همهٔ بچه ها دلسوز و مهربان است. دلش می خواهد همهٔ آنها درسشان را خوب یاد بگیرند.

اگر یکی از دوستانش به قلم یا کاغذ احتیاج پیدا کرد به او می دهد.

احمد در خانه به مادرش هم کمک می کند و در انجام کارها با پدرش همکاری می نماید.


چون احمد، کودک مهربان و نیکوکاری است، همه او را دوست دارند و نزد همه کس عزیز و محترم است. از همه بالاتر این که: خدا او را دوست دارد و به او پاداش نیک خواهد داد.

در قرآن آمده است:

«خدا نیکوکاران را دوست دارد»



- ۱ - رفتار احمد با خواهرش چگونه است؟
- ۲ - با همکلاسیهایش چگونه است؟
- ۳ - اگر یکی از دوستانش به چیزی احتیاج پیدا کند، چگونه او را کمک می‌کند؟
- ۴ - اگر بخواهیم خدا و مردم ما را دوست بدارند باید چه کنیم؟
- ۵ - شما در چه کارهایی به پدر و مادرتان کمک می‌کنید؟
- ۶ - در باره نیکوکاران در قرآن چه آمده است؟

جمله‌های زیر را کامل کنید: 

- ۱ - احمد با خواهرش، _____ و _____ است.
- ۲ - به خواهرش، _____ تا درسهایش را، خوب یاد بگیرد.
- ۳ - چون احمد، کودک _____ و _____ است همه او را _____ دارند.
- ۴ - از همه بالاتر، این که: خدا او را _____ و به او _____ خواهد داد.
- ۵ - در قرآن آمده است: «_____»

کودک بی آزار

حمید پسر بسیار خوبی است. به کسی اذیت نمی‌کند، در دبستان به دانش‌آموزان آزار نمی‌رساند. به در و شیشهٔ مردم سنگ نمی‌زند، به در و دیوارها خط نمی‌کشد.

حمید می‌داند که مردم آزاری، بدکاری است و گناه دارد. او می‌داند که اگر به کسی ضرر برساند، گناهکار است و تا عوض آن را ندهد و صاحبش را راضی نکند، خدا از گناهِش نمی‌گذرد. حمید مواظب است که موقع بازی کردن، همسایه‌ها را اذیت نکند و با سروصدای زیاد آنان را ناراحت نسازد، و مزاحم خواب و استراحتشان نشود.

حمید می‌داند که: خدا از همسایه‌آزاری بدش می‌آید.
حمید چون کودک مهربان و بی‌آزاری است همه او را دوست دارند، و بالاتر این که: خدا هم او را دوست دارد و به او پاداش نیک می‌دهد.

حضرت محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ* - فرمود:

«کسی که به همسایگان آزار برساند، به بهشت نخواهد رفت»




۱ - حضرت محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله - دربارهٔ همسایگان چه فرموده است؟

۲ - حمید هنگام بازی چگونه بازی می‌کند تا همسایه‌ها ناراحت نشوند؟

۳ - حمید چه کارهایی را نمی‌کند؟

۴ - چرا خدا حمید را دوست دارد؟

۵ - اگر کسی به دیگری ضرر برساند، چگونه باید جبران کند؟

جمله‌های زیر را کامل کنید: 

۱ - حمید می‌داند که مردم آزاری _____ دارد.

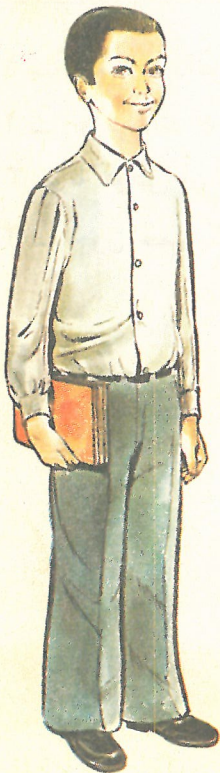
۲ - او می‌داند که اگر _____ گناهکار است.

۳ - تا عوض آن را ندهد و صاحبش را _____ خدا از _____ نمی‌گذرد.

۴ - چون حمید کودک _____ است خدا او را دوست دارد.

پاکیزه باشیم

این پسر، کثیف و نامرتب است.
دست و صورتش را نشسته است.
لباسهایش کثیف و آلوده است. ▶
از این جهت، مردم او را دوست
ندارند.



▶ محمد پسر پاکیزه‌ای است.
دست و صورتش را با آب و صابون
می‌شوید.

لباسهایش را پاکیزه نگه می‌دارد.
به همین جهت، همه او را دوست
دارند.


خدا هم پاکیزگان را دوست دارد.

پیامبر گرامی ما حضرت محمد - صلی الله علیه وآله - مردی را
دید که موهایش کثیف و ژولیده است. دست و صورتش را نشسته است.
دهانش بدبو و کثیف است. لباسهایش چرک و نامرتب است.
پیامبر از آن مرد ناراحت شد و فرمود: چرا این طور زندگی
می‌کنی؟ مگر نمی‌دانی که پاکیزگی جزء دین است؟ مگر نمی‌دانی خدا
پاکیزگان را دوست دارد؟ مسلمان باید همیشه پاکیزه باشد و از نعمتهای
خدا درست استفاده کند.
حالا که آب در اختیار دارید خود را بشوید و تمیز کنید.


پیامبر گرامی ما حضرت محمد فرمود:

پاکیزگی جزء دین است. مسلمان باید همیشه پاکیزه باشد.



پرسش و تمرین: 

- ۱ - دستهای خود را ببینید، آیا کاملاً پاکیزه است؟
- ۲ - ناخنها چطور؟
- ۳ - دندانهای خود را در آینه ببینید، آیا پاکیزه هستند؟
- ۴ - آیا دندانهای خود را می‌شوئید و مسواک می‌زنید؟ در هر شبانه‌روز چند مرتبه؟ چه مواقعی؟
- ۵ - آیا در پاکیزگی بدن و لباس خود کوشا هستید؟
- ۶ - چرا پیامبر از آن مرد ناراحت شد؟
- ۷ - پیامبر در باره پاکیزگی چه فرموده‌اند؟

این جمله‌ها را کامل کنید: 

- ۱ - چرا کثیف و _____ زندگی می‌کنی؟
- ۲ - مگر نمی‌دانی _____ جزء دین است؟
- ۳ - مسلمان باید _____ باشد.
- ۴ - مگر نمی‌دانی خدا _____ دوست دارد.
- ۵ - حالا که آب دارید _____ و تمیز کنید.

آداب غذا خوردن

دین اسلام آداب زندگی را به ما آموخته است و برای زندگی بهتر برای ما برنامه‌های مفیدی آورده است. حتی آداب خوردن و آشامیدن را برای ما بیان کرده است، که اگر درست به همه آنها عمل کنیم سالم و خوشبخت و سعادتمند می‌شویم.

آداب غذا خوردن:

- ۱ - قبل از غذا دستها را با آب پاکیزه بشوید.
- ۲ - غذا را با نام خدا شروع کنید و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگویید.

۳ - لقمه‌ها را کوچک بردارید و خوب بجوید. زیرا غذا هر چه بیشتر جویده شود بهتر و زودتر هضم می‌شود و به سلامتی انسان بیشتر کمک می‌کند.

۴ - همیشه از جلو خودتان غذا بردارید و به غذایی که جلوی دیگران است، دست نبرید و پرخوری نکنید.



۵- قبل از این که کاملاً سیر شوید دست از غذا خوردن بردارید.

۶- بعد از غذا، خدا را شکر کنید و «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

بگویید.

۷- به فکر تهی‌دستان و گرسنگان نیز باشید و به آنان کمک کنید.

غذا را با نام خدا شروع می‌کنیم و با شکر خدا پایان می‌دهیم.



پرسش و تمرین:



- ۱- قبل از غذا چه باید کرد؟
- ۲- غذا را با نام چه کسی شروع می‌کنید؟ چرا؟
- ۳- آیا لقمه‌ها را کوچک برمی‌دارید؟ این کار چه فایده‌ای دارد؟
- ۴- بعد از غذا از چه کسی تشکر می‌کنید؟
- ۵- چگونه به تهی‌دستان یاری می‌رسانید؟

این جمله‌ها را کامل کنید:



- ۱- دین اسلام _____ را به ما آموخته است.
- ۲- اگر درست به همهٔ دستورهای خدا عمل کنیم _____ می‌شویم.
- ۳- دین اسلام حتی _____ برای ما بیان کرده است.
- ۴- تا کاملاً سیر نشده‌اید _____ بردارید.
- ۵- بعد از غذا _____ و _____ بگویید.
- ۶- به فکر _____ باشید و به آنان کمک کنید.

یک دستور بهداشتی مهم

یک پزشک مسیحی، از حضرت امام صادق - علیه السلام -

پرسید:

آیا در کتاب دینی شما، قرآن، سخنی دربارهٔ بهداشت آمده است؟

آیا پیامبر شما در بارهٔ بهداشت، دستوری داده است؟

امام صادق فرمود: آری! در قرآن آمده است که: «بخورید و

بیشامید اما زیاده روی نکنید» و پیامبر ما فرموده است: «از پرخوری

پرهیزید که ریشهٔ تمام بیماریهاست و کم خوردن و پرهیز کردن ریشهٔ هر

درمانی است.»

پزشک مسیحی برخاست و گفت: کتاب دینی شما چه دستورهای

خوب و کاملی دارد! پیامبر شما چه دستور کاملی دربارهٔ بهداشت فرموده


است!

در قرآن آمده است:

بخورید و بیشامید اما زیاده روی نکنید.



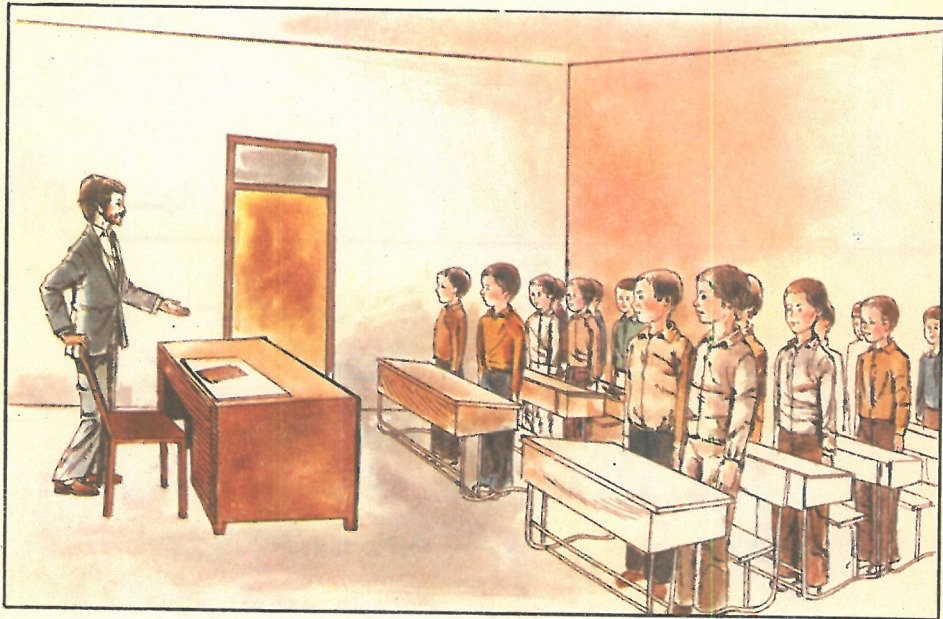
- ۱ - پزشک مسیحی، از امام صادق چه پرسید؟
- ۲ - امام صادق در پاسخ چه فرمود؟
- ۳ - یک دستور بهداشتی را که در قرآن آمده است، بیان کنید.
- ۴ - دستور بهداشتی پیامبر را بگویید.
- ۵ - پرخوری چه نتیجه‌ای دارد؟
- ۶ - پزشک مسیحی بعد از فرمایش امام صادق، چه گفت؟
- ۷ - از راهنمایی حضرت امام صادق، چگونه پیروی می‌کنیم؟

این جمله‌ها را کامل کنید: 

- ۱ - در قرآن آمده است: _____ و _____ اما زیاده‌روی نکنید.
- ۲ - از پرخوری _____ که ریشه تمام _____ است.
- ۳ - کم خوردن و _____ ریشه هر _____ است.
- ۴ - قرآن ما چه دستورهای _____ دارد.
- ۵ - پیامبر ما چه دستور کاملی _____ داده است.

مقام معلم

پیامبر ما حضرت محمد می فرمود: من معلم مردم هستم و به آنان درس دینداری می دهم.
حضرت علی فرمود: برای پدر و معلم خود، به احترام از جای برخیز.



امام چهارم، حضرت سجّاد فرمود: دانش آموز نسبت به معلم خود چند وظیفه مهم دارد:
اول: آن که معلم خود را بسیار احترام کند.
دوم: به سخنانش خوب گوش دهد.
سوم: هنگامی که معلم صحبت می کند نگاهش به طرف معلم باشد.

چهارم: حواسش را برای یاد گرفتن درس کاملاً جمع کند.
پنجم: از کلاس درس قدردانی و تشکر نماید.
ما از این راهنمایها پیروی می‌کنیم. آموزگار خود را دوست داریم
و او را احترام می‌کنیم و می‌دانیم که او مانند پدر و مادر بر گردن ما حق
دارد.

پرسشها: 

- ۱ - خواندن و نوشتن را چه کسی به شما آموخت؟
- ۲ - چیزهایی را که نمی‌دانید چه کسانی به شما یاد می‌دهند؟
- ۳ - بزرگترین معلم انسانها چه کسانی هستند؟
- ۴ - امام اول ما درباره پدر و معلم، چه دستور می‌دهد؟
- ۵ - امام چهارم در باره وظیفه شاگرد نسبت به معلم، چه فرموده است؟
- ۶ - هنگامی که معلم وارد کلاس می‌شود، چه باید کرد؟
- ۷ - در کلاس شما، چه کسی به دستوره‌های امام چهارم درباره معلم، خیلی خوب عمل می‌کند؟

* برای آموزگار خود نامه‌ای بنویسید و از او تشکر کنید.

آیا می‌دانی امام کیست؟

امام جانشین پیامبر است و بعد از پیامبر کارهای او را انجام می‌دهد.

چه کسی «امام» را تعیین می‌کند؟

پیامبر، به فرمان خدا، امام را تعیین می‌کند و کارهای خود را به او می‌سپارد. امام، مردم را رهبری می‌کند و دستورها و پیامهای خدا را برای مردم روشن می‌نماید. امام رهبر مردم و نگهدار دین است.

امامان ما، مردم را به پرستش خدای مهربان و انجام کارهای نیک و کمک به انسانهای دیگر دعوت کرده‌اند. امامان، دشمن ستمکاران بودند و با آنها مبارزه می‌کردند. امامان کوشش می‌کردند تا مردم را با خدا آشنا کنند و در میان آنها عدل و نیکوکاری را برقرار سازند.

امامان بهتر از هر کس در زندگانی خویش به راه و روش پیامبر عمل می‌کردند و زندگی آنها نمونه و سرمشق برای مردم است. مردم عملاً اسلام را در رفتار آنها می‌توانند ببینند.

اگر مردم بعد از پیامبر رهبر و راهنما نداشته باشند، چگونه می‌توانند راه درست زندگی را پیدا کنند؟

امام رهبر مردم و نگهدار دین است.



پرسش و تمرین:

- ۱ - امام کیست؟
- ۲ - چه کسی امام را تعیین می‌کند؟
- ۳ - امامان ما مردم را به دو چیز مهم دعوت می‌کرده‌اند، آن دو چیست؟
- ۴ - امامان دشمن چه کسانی بوده‌اند؟
- ۵ - امامان برای چه هدفی کوشش می‌کردند؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:

- ۱ - امام — پیغمبر است و بعد از — کارهای او را انجام می‌دهد.
- ۲ - امام مردم را رهبری می‌کند و پیامهای خدا را برای مردم — می‌نماید.
- ۳ - امامان ما مردم را به — و — دعوت کرده‌اند.
- ۴ - امامان دشمن — بودند و با آنها — .
- ۵ - امام رهبر — مردم و نگهدار — است.

دوازده امام

بعد از پیامبر، دوازده امام داریم، که به سفارش پیامبر یکی بعد از

دیگری امام می‌باشند:

اول - حضرت امیرالمؤمنین، امام علی علیه‌السلام

دوم - حضرت امام حسن علیه‌السلام

سوم - حضرت امام حسین علیه‌السلام

چهارم - حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام

* * *

پنجم - حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام

ششم - حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام

هفتم - حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام

هشتم - حضرت امام رضا علیه‌السلام

* * *

نهم - حضرت امام محمد تقی علیه‌السلام

دهم - حضرت امام علی نقی علیه‌السلام

یازدهم - حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام

دوازدهم - حضرت حجت، امام زمان علیه‌السلام

* * *

حجت‌البن‌الحسن

درس بیست و هفتم

امام اول ماست، او کودکان را دوست داشت

حضرت علی علیه السلام، با همه کودکان — مخصوصاً با کودکان یتیم — بسیار مهربان بود. اگر کودک یتیمی را می دید که گریه می کند، خم می شد، به آن کودک سلام می کرد، اشکهایش را پاک می نمود، دست بر شانهاش می نهاد و از او می پرسید: پسرم! چرا گریه می کنی؟ چه کسی




تو را اذیت کرده است؟ بیا باهم به منزل برویم. او را به منزل می‌برد و بهتر از یک پدر مهربان، از او پذیرایی می‌نمود. و اگر شیرینی یا عسل یا میوه‌ای در منزل داشت برایش می‌آورد و حتی گاهی خودش آنها را در دهان کودک می‌نهاد.

حضرت علی علیه‌السلام به پیروان خود سفارش می‌کرد که کودکان یتیم، مخصوصاً یتیمان شهدا را بسیار گرامی بدارید. آنها پدران مهربان خویش را از دست داده‌اند، شما همانند پدر مهربان از آنها دلجویی و مراقبت کنید. پدران اینها در میدان جهاد و در راه اسلام شهید شده‌اند و بر همه شما حق دارند. با دلجویی و مراقبت از خانواده آنان، روحشان را شاد گردانید. خود حضرت علی نیز همواره مواظب یتیمان، مخصوصاً خانواده شهدا بود. به دیدنشان می‌رفت و احوالپرسی می‌کرد. مراقب تعلیم و تربیتشان بود. در حل مشکلاتشان می‌کوشید و در همه جا راهنماییشان بود. برایشان هدیه می‌برد و اگر تهی دست بودند مخارجشان را محترمانه تأمین می‌کرد.


حضرت علی علیه‌السلام، آن قدر با کودکان یتیم مهربان بود و درباره آنان سفارش می‌فرمود که یکی از دوستانش می‌گفت: ای کاش من هم کودک یتیمی بودم تا بیشتر مورد مهر و محبت حضرت علی قرار می‌گرفتم.

کودکان — مخصوصاً فرزندان شهیدان — را گرامی بدارید.



پرسش و تمرین: 

- ۱ - رفتار حضرت علی با کودکان یتیم چگونه بود؟
- ۲ - حضرت علی در بارهٔ کودکان - مخصوصاً کودکان یتیم - به پیروان خود چه می‌فرمود؟
- ۳ - دوست حضرت علی در بارهٔ رفتار آن حضرت با کودکان یتیم چه گفته است؟

جمله‌های زیر را کامل کنید: 

- ۱ - حضرت علی علیه‌السلام با _____ بسیار مهربان بود.
- ۲ - حضرت علی خم می‌شد و به آن کودک یتیم _____.
- ۳ - او را به منزل می‌برد و بهتر از _____ از او پذیرایی می‌نمود.
- ۴ - حضرت علی به پیروان خود سفارش می‌کرد که _____ مخصوصاً _____ را بسیار گرامی بدانند.

امام دهم مارکت، مهمانهای حضرت امام حسن

حضرت امام حسن - علیه السلام - با مردم فقیر، دوست و مهربان بود. روزی در راه، چند نفر فقیر را دید که روی زمین نشسته‌اند و غذا می‌خورند. غذای آنها چند تکه نان خشک بود.

هنگامی که آنها حضرت امام حسن را دیدند، گفتند: **بفرمایید!** بفرمایید! با ما غذا بخورید.

حضرت امام حسن از اسب پیاده شد و پیش آنها روی زمین نشست. سپس فرمود: ای برادران! من دعوت شما را قبول کردم. اکنون خواهش می‌کنم شما هم مهمان من شوید و به منزل من بیایید. آنان هم دعوت امام را قبول کردند.

امام حسن به منزل رفت و فرمود: من مهمانهای عزیزی دارم، بهترین غذاها را برایشان تهیه کنید.

مهمانها به منزل امام آمدند و حضرت امام حسن - علیه السلام - با احترام، از آنها پذیرایی کرد و آنان بسیار خشنود شدند. حضرت امام حسن با فقیران و تهی‌دستان خیلی مهربان بود. به آنان کمک می‌کرد و در مدت زندگی، چندین مرتبه، هر چه داشت بین خودش، و آنان تقسیم کرد.

حضرت امام حسن با مردم فقیر دوست و بسیار مهربان بود.



- ۱ - مهمانهای حضرت امام حسن، چه افرادی بودند؟
- ۲ - حضرت امام حسن، برای آنها چگونه غذایی تهیه کرد؟
- ۳ - حضرت امام حسن با فقیران و نیازمندان چگونه رفتار می کرد؟
- ۴ - رفتار شما با مردم فقیر و بینوا چگونه است؟
- ۵ - از این داستان چه نتیجه می گیریم؟
- ۶ - آیا وظیفه نداریم از حق تھی داستان دفاع کنیم و بکوشیم که آنان به حق خود برسند؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:

- ۱ - حضرت امام حسن، با مردم فقیر _____ بود.
- ۲ - حضرت امام حسن، از اسب پیاده شد و پیش آنها _____ نشست.
- ۳ - فرمود: من _____ دارم، بهترین _____ تهیه کنید.
- ۴ - امام حسن _____ از آنها پذیرایی کرد.

با حیوانات مهربان باشیم

روزی حضرت امام حسن (علیه السلام) مشغول غذا خوردن بود، و سگی در مقابلش ایستاده بود و نگاه می کرد.

امام حسن لقمه ای در دهان خودش می گذاشت و لقمه دیگری را جلوی سگ می انداخت، سگ آن را می خورد و برای تشکر، دمش را تکان می داد و صدا می کرد و دوباره به آن حضرت نگاه می کرد.

امام حسن بار دیگر لقمه ای جلوی سگ می انداخت.

مردی که از آن جا می گذشت، جلو آمد و گفت: اجازه بدهید این سگ را بزنم و دور کنم تا شما بتوانید به راحتی غذای خود را بخورید.

امام حسن، فرمود: نه! نه! این کار را مکن. این حیوان زبان بسته



را خدا آفریده است. خدا آن را دوست دارد، گرسنه است، من از خدا خجالت می‌کشم که غذا و نعمت او را بخورم و به این حیوان که مخلوق و آفریده اوست چیزی ندهم، آخر او گرسنه است و به من نگاه می‌کند.

پرسشها:



- ۱ - حضرت امام حسن، به آن سگ، چگونه غذا می‌داد؟
- ۲ - آیا تا به حال شما، به حیوانی غذا داده‌اید؟
- ۳ - آن سگ، چگونه تشکر می‌کرد؟
- ۴ - چرا آن مرد می‌خواست، سگ را دور کند؟
- ۵ - حضرت امام حسن به او چه گفت؟

درس سیام

وُضُو

کسی که می خواهد نماز بخواند، باید قبل از نماز، وضو بگیرد. به

این ترتیب:

۱ - نیت می کنیم که، برای خوشنودی و انجام فرمان خدا، وضو

می گیریم.

۲ - صورت را، از جایی که موی سر می روید تا چانه، از بالا به

پایین، می شوئیم.



۳ - دست راست را، از آرنج تا سر انگشتان، از بالا به پایین،

می شوئیم.

۴ - دست چپ را نیز مانند دست راست می شوئیم.



۵ - دست راست را، با تری خودش، به جلوی سر، از بالا به پایین، می کشیم.





- ۶ - دست راست را، با تری خودش، به روی پای راست، از سر انگشت تا برآمدگی پا، می کشیم.
- ۷ - دست چپ را، با تری خودش، به روی پای چپ، از سر انگشت تا برآمدگی پا، می کشیم.

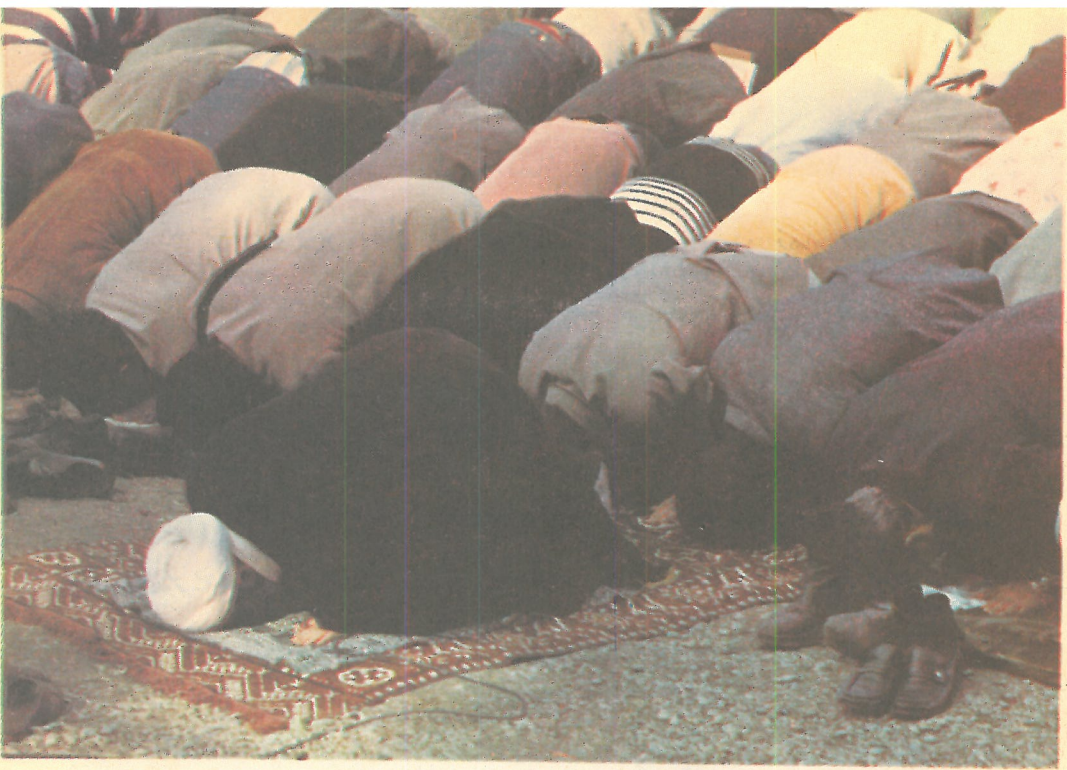
پیش پدر یا مادر یا معلم خود وضو بگیرد و پرسید: آیا وضوی من درست است؟

نماز بخوانیم


نماز بخوانیم و با خدای خوب و مهربان، در نماز صحبت کنیم.
نماز ستون دین است، پیامبر ما فرمود: هر کس نماز را کوچک بشمارد و
درباره آن کوتاهی کند، از پیروان من نیست.



اسلام، به پدران و مادران، دستور می‌دهد، که نماز را به
فرزندان خود یاد دهند و از هفت سالگی آنها را به خواندن نماز،
عادت دهند. و پیوسته، خواندن نماز را به فرزندانش، یادآوری کنند.
و از آنها بخواهند که نماز بخوانند.
بر پسران و دخترانی که به سن تکلیف، رسیده‌اند، واجب است که



خودشان حتماً نماز بخوانند و اگر نمازشان را ترک کنند، نافرمانی خدا را کرده، گناه کار می باشند.
خدا کودکانی را که نماز می خوانند، دوست دارد و به آنان پاداش نیک می دهد.

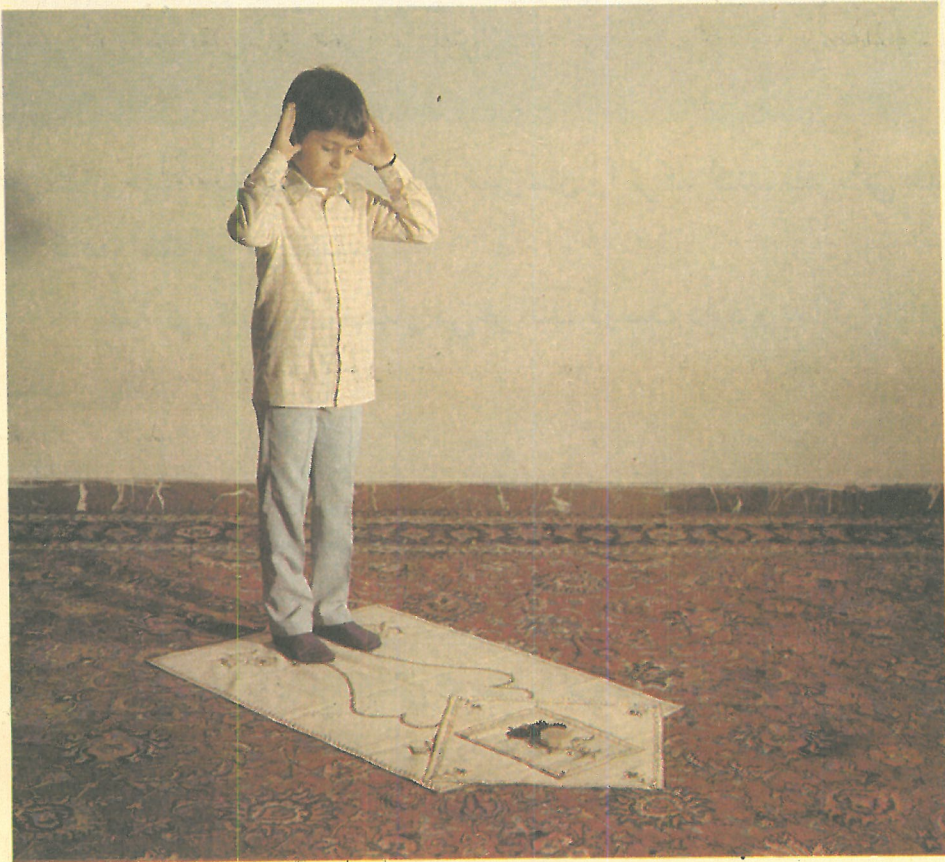
پرسشها: 

- ۱ - در نماز با چه کسی صحبت می کنیم؟
- ۲ - پیامبر ما درباره کسانی که نماز را کوچک می شمارند، چه فرموده اند؟
- ۳ - وظیفه پدر و مادر در مورد کودکان هفت ساله، چیست؟
- ۴ - چه کسی نماز را به شما یاد می دهد؟
- ۵ - «نماز ستون دین است» یعنی چه؟

چگونه نماز بخوانیم

به ترتیب زیر نماز می خوانیم:

- ۱ - رو به قبله می ایستیم و «نیت می کنیم» یعنی، با آگاهی و توجه قصد می کنیم که چه نمازی می خوانیم. مثلاً قصد می کنیم که چهار رکعت، نماز ظهر برای «تَقَرُّبُ به خدا» می خوانیم.
- ۲ - بعد از نیت؛ می گوئیم: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و دستها را تا نزدیک گوش بالا می بریم.



۳ - بعد از تکبیر (الله اکبر گفتن) سوره حمد را می خوانیم.
به این ترتیب:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * إِهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ * غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ *

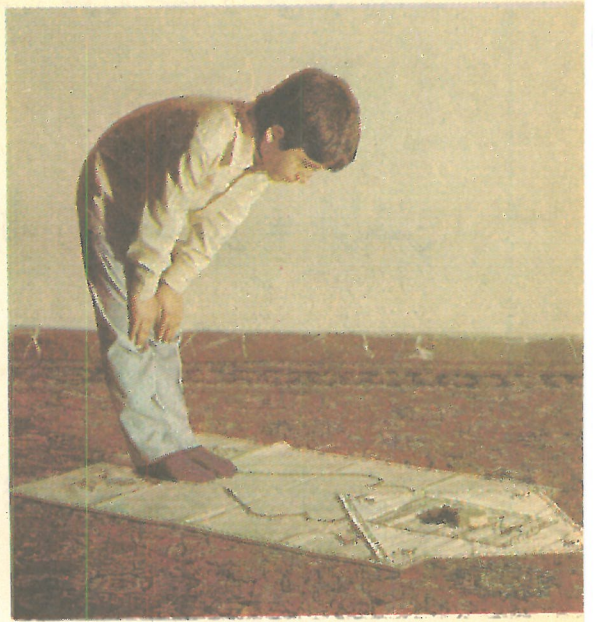
و بعد از خواندن سوره حمد، یک سوره از قرآن می خوانیم. مثلاً
سوره توحید.

به این ترتیب:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ *

۴ - بعد به «رکوع» می‌رویم،
یعنی بقدری خم می‌شویم که دستها به
زانو برسد، آن‌گاه می‌گوییم:

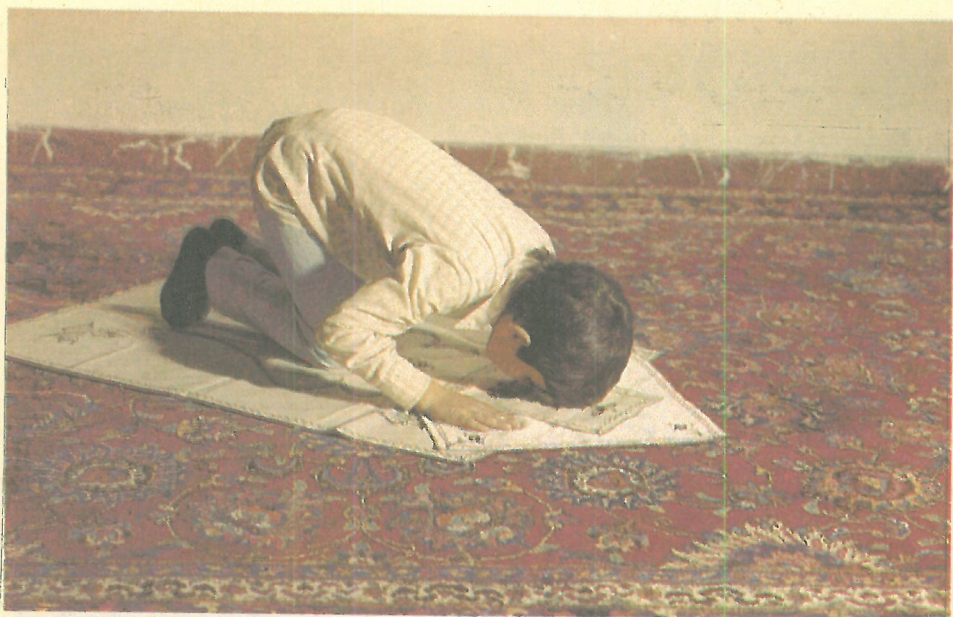
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ



بعد، سر از رکوع برمی‌داریم و

می‌ایستیم. *و می‌گوییم: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ*





۵ - بعد از آن، به «سجده» می‌رویم، یعنی: پیشانی را بر خاک یا سنگ یا چوب می‌نهم و دو کف دستها و سر زانوها و دو سر انگشت بزرگ پاها را روی زمین می‌گذاریم و می‌گوییم:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ

بعد، سر از سجده برمی‌داریم و می‌نشینیم و دوباره به سجده می‌رویم و سجده دوم را مانند سجده اول تمام می‌کنیم، آن‌گاه سر از سجده دوم برمی‌داریم و می‌نشینیم.

سپس برای رکعت دوم برمی‌خیزیم و مانند رکعت اول، حمد و سوره را می‌خوانیم.



۶ - در رکعت دوم، پس از خواندن حمد و سوره «قنوت» می‌خوانیم. یعنی: دستها را تا مقابل صورت بالا می‌بریم و دعا می‌خوانیم، مثلاً می‌گوییم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پروردگارا بر محمد و خاندان او درود فرست

سپس به رکوع و سجده می‌رویم و مانند رکعت اول، آنها را انجام

می‌دهیم.

۷ - بعد از دو سجده رکعت
دوم می‌نشینیم و «تَشَهُد» می‌خوانیم،
یعنی می‌گوییم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *



۸ - بعد از تشهد برمی‌خیزیم
و رکعت سوم نماز را می‌خوانیم، در
رکعت سوم، به جای حمد و سوره سه
مرتبه می‌گوییم:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ *



آن گاه مانند رکعت دوّم به رکوع و سجده می‌رویم.
سپس، برای رکعت چهارم برمی‌خیزیم و رکعت چهارم را مانند
رکعت سوّم، تمام می‌کنیم.
۹ - در رکعت چهارم، بعد از «دو سجده» می‌نشینیم و تشهد
می‌خوانیم، سپس سلام می‌دهیم، یعنی می‌گوییم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا
وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

حالا نماز ظهر ما، تمام شده است.

یادآوریها:

- ۱ - نماز عصر و عشاء را مانند ظهر می‌خوانیم، ولی قصد می‌کنیم که:
نماز عصر می‌خوانیم... یا نماز عشاء می‌خوانیم...
- ۲ - نماز مغرب، سه رکعت است، در رکعت سوّم تشهد و سلام می‌گوییم.
- ۳ - نماز صبح، دو رکعت است، در رکعت دوّم، بعد از تشهد، سلام
می‌گوییم.

وقت نمازها

وقت نماز صبح، از اوّل سپیده صبح است تا طلوع خورشید.
وقت نماز ظهر و عصر، از اوّل ظهر است تا غروب آفتاب.
وقت نماز مغرب و عشاء، از اوّل شب است تا نیمه شب.

۱ - حمد و سوره را از حفظ بخوانید .

۲ - در رکوع نماز چه می‌گوییم؟

۳ - در سجده نماز چه می‌گوییم؟

۴ - در قنوت چه می‌گوییم؟

۵ - در تشهد نماز چه می‌گوییم؟

۶ - سلامهای نماز را بگویید .

سعی کنید نماز خواندن را درست و کامل یاد بگیرید و نماز خود را همراه یکی از اعضای خانواده، تا می‌توانید در مسجد بخوانید.

